

مقید شدن حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در نظام حقوقی ایران

نوشته محمدرضا زمانی درمزاری وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه

بخش اول یادداشت:

حق دفاع و دسترسی به وکیل مدافع در حقوق بین الملل بشر و نظام دادرسی عادلانه، مورد شناسایی و تضمین قرار گرفته است و ضمن انعکاس در قوانین اساسی کشورها، در قوانین عادی و خاص آنها نیز به اشکال مختلف مقرر شده است. حق دفاع و دسترسی به وکیل مدافع برای متهم و اعمال این حق از سوی وکیل تعیینی یا وکیل تسخیری وی و ایجاد امکان دفاع در چهارچوب موازین حقوقی و قانونی؛ زمینه ساز تحقق عدالت کیفری، دادرسی عادلانه و تضمین حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری خواهد بود. قانون آئین دادرسی کیفری جدید، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴، با نگاهی نو و دیدگاهی نوین نسبت به حق دفاع و حق دسترسی به وکیل مدافع و حقوق متهم توجه نموده و ضمن تغییر اساسی در رویکرد سیاست کیفری خویش نسبت به متهم و سایر اصحاب دعوا و شهود، گواهان و مطلعین مربوطه، در تلاش برای تاسی به اصول و هنجارهای حقوق بین الملل بشری در خصوص حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری، با وجود برخی محدودیت های قانونی بعدی و مقرر نسبت به این حق، برآمده است که در طی سه یادداشت جداگانه ارائه میشود.

حق دفاع و دسترسی به وکیل در حقوق ایران

حق دفاع و حق انتخاب وکیل و دسترسی به وکیل مدافع در نظام حقوقی ایران در قانون اساسی، قوانین موضوعه، رویه های قضایی و دکترین حقوقی، به اشکال گوناگون به رسمیت شناخته شده است. این حق، علاوه بر انعکاس در اسناد حقوق بین الملل بشری، حقوق بشردوستانه بین المللی، نظام دادرسی عادلانه و دادگستری شایسته، در قانون اساسی و قوانین عام و خاص نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است:

حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در قانون اساسی:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلفی، ضمن اشاره به حقوق شهروندی و اساسی مردم/ ملت در اصول دوم، سوم، هفتم، هشتم، چهاردهم، نوزدهم، بیستم، بیست و دوم، بیست و سوم، بیست و چهارم، بیست و

پنجم، بیست و ششم، بیست و هفتم تا چهل و چهارم، چهل و ششم تا چهل و هشتم و پنجاه و ششم، به موضوع وکالت، وکیل و اصول حرفه ای آن اشاره می کند. برابر اصل ۳۵ قانون اساسی: " در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. "

بنابراین، دسترسی به وکیل و انتخاب وکیل مدافع در تمام دعاوی، اعم از کیفری و حقوقی و در تمام مراحل دادگاهها، حق اصحاب دعوا و از زمره حقوق شهروندی آنها نیز بوده و نه تنها، ممانعت از اعمال این حق، بلکه عدم حمایت در اعمال آن یا ایجاد هر گونه مانع و محدودیت نسبت بدان و سلب این حقوق قانونی و بشری نیز مخالف قانون اساسی است. از اینروست که قانون اساسی، دسترسی به وکیل و انتخاب وکیل مدافع را بعنوان یک " حق " قانونی و شهروندی و نه " امتیاز " قابل سلب و محدودیت!، برخلاف اصول نهم و پنجاهم آن قانون و منع تصویب هر گونه قانون سلب کننده آزادی های مشروع و اساسی مردم و شهروندان به مانند " حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل " به رسمیت شناخته است و دادگاهها را صرفنظر از نوع، فرایند و مراحل مختلف دادرسی حقوقی و کیفری (تعقیب و تحقیق و دادرسی کیفری) مکلف به پذیرش وکیل نموده و بر حق بر معاضدت قضایی و حقوقی نسبت به افراد فاقد توانایی انتخاب وکیل و لزوم فراهم آوردن امکانات آن نیز تاکید کرده است.

بر این اساس، دولت مکلف به تامین ساز و کار قانونی لازم برای فراهم آوردن امکانات مورد نیاز برای تعیین وکیل شده است.. این حق، هم بعنوان یکی از حقوق شهروندی و هم از زمره حقوق بشری شناخته شده به شمار می رود. اصل مزبور صرفاً، ناظر به حق دسترسی و انتخاب وکیل از سوی اتباع ایرانی به شمار نمی رود و طرفین خارجی دعوا نیز برخوردار از آن حق قانونی و بشری، حسب مورد می باشند.

حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در قوانین عادی:

ماده واحده حق انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا:

برابر ماده واحده مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی، مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱: " اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاههایی که به موجب قانون تشکیل می شوند، مکلف به پذیرش وکیل می باشند. " طبق تبصره ذیل همان ماده واحده: " اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت

نیز حق انتخاب وکیل دارند. دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می کند تا از میان آنان به انتخاب متهم وکیل انتخاب گردد". سلب حق گرفتن وکیل از سوی محاکم قضایی، علاوه بر بی اعتبار حکم صادره، مستوجب مسئولیت انتظامی مقرر نیز می باشد. در همین ارتباط، تبصره ۲ این قانون مقرر می دارد: " هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می باشد."

ترتیب مزبور، برخلاف مفاد مقرر در تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴، مبنی بر تخلف انتظامی مراتب عدم تفهیم حق دسترسی به وکیل و سلب آن می باشد و تبصره ۳ ماده واحده مزبور، ناظر به اهمیت شان و جایگاه وکیل در موضع دفاع و شناسایی آن در این رابطه بوده و بر این اساس، مقرر کرده است؛ وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین قضاء برخوردار می باشد. تبصره مزبور، تنها مقرر قانونی است که به صراحت، به هم شان بودن مقام وکیل نسبت به مقام شاغلین قضاء از حیث احترام و تأمینات شغلی و حرفه ای آنها نسبت به وکلای مدافع در موضع دفاع اشاره دارد. در همین ارتباط، با عنایت به بند ۱ ماده اول قانون وکالت و بندهای ۱ ماده ۳۵ و ۳۷۸، بند ۳ ماده ۳۸۱، ماده ۳۹۵ ق.آ.د.م و مواد ۲۶۴ ق.آ.د.ک و ۴۲ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ (سابق) و شعب دیوان عالی کشور و سایر مقررات ناظر به جواز انتخاب یا تعیین وکیل در مراجع قضائی، از جمله، رای وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور بر مراتب مزبور تأکید شده است.

قانون آیین دادرسی مدنی :

در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (قانون آیین دادرسی مدنی)، مصوب ۱۳۷۹ نیز در مواد متعددی به موضوع حق انتخاب وکیل، وکالت و مقررات مربوط به وکلای دادگستری اشاره شده است و باب دوم آن به موضوع " وکالت در دعاوی " اختصاص دارد. " حق متداعیین در انتخاب و معرفی حداکثر دو نفر وکیل " برابر ماده ۳۱ این قانون: ، به رسمیت شناخته شده است . مواد ۳۲ تا ۴۷ و مواد ۵۷ و ۵۹ و ۲۰۵ و ۵۱۹ این قانون نیز ناظر به اختیارات قانونی مقرر نسبت به وکلای دادگستری و وکلای اصحاب دعوا ، از جمله؛ در امکان حداکثر انتخاب دو نفر وکیل، نمایندگی در دعاوی و دارا بودن اختیارات وکلای دادگستری نسبت به آن، نحوه تنظیم قرارداد وکالت به موجب سند رسمی یا غیر رسمی، تصریح اختیارات وکیل و استثنائات بر آن، عزل و استعفاء

و فوت یا ممنوع شدن یا تعلیق یا بازداشت، جهات عذر موجه و دعوت همزمان وکیل در دو یا چند دادگاه، نحوه حضور دو نفر وکیل که به هیچ یک از آنها به طور منفرد، حق اقدام نداده باشد و ابلاغ دادنامه در هنگام استعفاء، عدم اختیار مداخله در مراحل دیگر و چگونگی برابر با اصل نمودن مدارک از سوی وکیل، عدم پذیرش اقرار وکیل علیه موکل و حق الوکاله وکیل به عنوان قسمتی از خسارات دادرسی، در راستای ترتیبات قانونی مربوط به وظایف قانونی و ساز و کار وکالت وکلای دادگستری در فرایند دادرسی مدنی و حقوقی است که "حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل و وکیل مدافع"، در واقع، مقدم بر آنها بوده و از این حیث نیز قانونگذار، ضمن شناسایی آن در قانون مزبور، ساز و کار قانونی و حقوقی دسترسی بدان و نحوه اقدام وکلای دادگستری منتخب و اختیارات و وظایف قانونی مقرر را به صراحت بیان کرده است.

در قوانین وکالت:

پیدایش حرفه وکالت و مقررات ناشی از آن در ایران از سال ۱۲۸۷ ش. با تشکیل کمیسیون تنقیح قوانین آغاز گردید و اولین نظام نامه وکلاء نیز در سال ۱۲۹۶ ش. تدوین شد و نخستین مجمع وکلای رسمی عدلیه به موجب نظام نامه در انتخاب هیئت مدیره در ۱۳۰۰ ش. تشکیل گردید و در پی آن نیز با تصویب قانون اصلاح تشکیلات عدلیه (فصل دوم از باب پنجم راجع به وکلاء) در سال ۱۳۰۶ و تأسیس سازمان (کانون) وکلای عدلیه وابسته به اداره احصائیه امور قضایی وزارت عدلیه در سال ۱۳۰۹ ش.، تحولات بعدی نهاد وکالت در ایران ادامه یافت، تا اینکه با تصویب قانون وکالت مصوب ۱۳۱۴ و سپس، قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵، فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹ و ۱۳۱۴ نیز نسخ گردید و دو دهه بعد، لایحه استقلال وکلای دادگستری در ۷ اسفند ۱۳۳۱ به تصویب رسید و قانون تشکیل صندوق تعاون وکلاء، مصوب ۱۳۵۰ با اصلاحات بعدی نیز در جهت حمایت وکلاء و کارگشایان تصویب گردید.

علیرغم مراتب یاد شده، لایحه قانون راجع به تصفیه و پاکسازی در کانون وکلاء در سال ۱۳۵۹ تصویب گردید و قانون نحوه اصلاح کانون های وکلاء و ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید که تحولی اساسی در حق دسترسی به وکیل و شان و جایگاه قانونی و حرفه ای وکلای مدافع و برخوردار از شان و احترامات شاغلین قضاء به شمار می رفت. در پی آن، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری در سال ۱۳۷۶ در ۷ ماده و ۱۴ تبصره در نحوه آزمون و پذیرش متقاضیان پروانه

کارآموزی و تعیین تعداد آنان در هر استان و شرایط اعضاء هیئت مدیره کانون و تعیین دادگاه عالی انتظامی قضات در بررسی صلاحیت آنان و عدم امکان تمرکز و کلا در محل غیر از محل تعیینی در پروانه به تصویب رسید و در ادامه آن نیز قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و به ویژه، ماده ۱۸۷ آن در سال ۱۳۷۹ و آیین نامه اجرای مربوطه در مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی و وکالت توسط قوه قضائیه به تصویب رسید. برابر ماده ۱۸۷ مکرر در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز - قوه قضائیه مکلف گردید که در طول برنامه یاد شده نسبت به تدوین و تصویب لایحه جامع وکالت اقدام نماید. تصویب ماده مزبور، موجب دو قطبی شدن عملی و عینی نهاد وکالت در ایران و رفع انحصار عملی و عینی وکالت در کانون های وکلای دادگستری ایران، به باور برخی از حقوقدانان و وکلای دادگستری گردید!

صرفنظر از مراتب یاد شده، در هر یک از قوانین مزبور؛ حق دسترسی به وکیل و وکیل مدافع و شرایط قانونی مربوط به آن و اختیارات و تکالیف قانونی مربوط به وکالت و دفاع نسبت به اصحاب دعوا، نحوه تعیین وکیل معاضدتی و تسخیری و ترتیب فعالیت وکلای مدافع در دعاوی و مقررات قانونی مقرر، حسب مورد، مورد اشاره و توجه قانونگذار قرار گرفته و مقررات انتظامی مربوط به مسئولیت حرفه ای وکلای دادگستری نیز تصریح و تفکیک شده است. ترتیبات قانونی مزبور نیز حکایت از به رسمیت شناختن حق مزبور در قوانین متعدد و مصوب مزبور و فراهم آوردن ساز و کارهای قانونی و حقوقی مربوطه، در راستای حق دسترسی مردم و شهروندان به وکلای دادگستری و حق متهم نسبت به وکلای مدافع، همراه با تکالیف قانونی دولت و مراجع قضایی، قانونی و انتظامی در این ارتباط دارد که طی سالهای متمادی، به اشکال گوناگون، مورد توجه قانونگذار بوده است.

قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری، مصوب ۱۳۵۶:

به موجب مواد ۳۲ و ۳۳ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری، مصوب خرداد ۱۳۵۶، در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می نماید؛ اقامه تمام یا بعضی از دعاوی حقوقی و نیز شکایت از آرا و دفاع از آنها در دادگاههای دادگستری با دخالت وکیل دادگستری مقرر گردید که ملازمه با حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل و وکیل مدافع داشت. آیین نامه اجرایی آن قانون پس از نزدیک به سه دهه تاخیر، سرانجام در خرداد ۱۳۸۴ تصویب و ماده ۱ آن نیز اصلاح گردید. به موجب این آئین نامه، جز در مواردی مانند دعاوی مالی که ارزش خواست حداکثر ده میلیون ریال و یا خواسته دعوا، مطالبه وجه کمتر از پنجاه میلیون ریال باشد...؛ اقامه دعاوی مدنی و حقوقی و نیز

شکایت از آراء و دفاع از آنها در دادگاههای دادگستری با دخالت وکیل دادگستری یا مشاوران حقوقی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه خواهد بود.

در همین رابطه، دولت، دارندگان رتبه قضایی، وکلای دادگستری و مشاورین حقوقی و فارغ التحصیلان رشته حقوق در دعاوی راجع به خود ملزم به داشتن وکیل نبودند. تکلیف انتخاب وکیل در بسیاری از حوزه های قضایی مانند تهران و... اجراء گردید. بر این اساس، اقامه کلیه دعاوی مدنی و حقوقی و نیز شکایت از آراء و دفاع آنها در دادگاههای دادگستری طبق ماده ۱ آئین نامه اجرایی مواد ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، با دخالت وکیل دادگستری یا مشاوران حقوقی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه مقرر شده بود که ملازمه با حق دسترسی و حق دفاع وکلای مدافع مربوطه داشت. برابر تبصره ذیل آن، اقامه دعوی توسط وکیل دادگستری یا مشاوران حقوقی مانع از حضور موکلین در دادگاه و شرکت در دفاع نبود. برابر تبصره ۲ آن ماده، دولت و دارندگان رتبه قضایی، اعم از شاغل، بازنشسته، وکلای دادگستری، مشاوران حقوقی و فارغ التحصیلان رشته حقوق در دعاوی مربوط به خود از مقررات فوق در خصوص تعیین وکیل مستثنی بوده اند.

نامه فوق طی بخشنامه شماره ۱/۸۴/۲۸۹۰ مورخ ۱۳۸۴/۳/۷ رئیس وقت قوه قضائیه به مراجع قضایی ابلاغ شده بود و در صورت عدم معرفی وکیل یا عدم حضور وی در پرونده های مربوطه، با صدور اخطار رفع نقص و سرانجام، قرار رد دعوی در صورت عدم معرفی وکیل در موعد قانونی مقرر از سوی دفتر دادگاه اقدام می شد، با این وجود، طی رای وحدت رویه پرونده ردیف ۶/۸۶ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور که با اکثریت آراء ۸۱ نفر از ۹۰ نفر از قضات حاضر دیوان عالی کشور در آن جلسه تصویب و صادر شده است، با تأیید دادنامه شماره ۱۲۲۰ مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۷ شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران، مبنی بر عدم لزوم دخالت وکیل دادگستری در اقامه دعاوی حقوقی و لازم الاتباع بودن آن در موارد مشابه برای محاکم - الزام اصحاب دعوا به انتخاب وکیل، مخالف قانون اساسی و آئین دادرسی مدنی تشخیص داده شد و اجرای مقررات یاد شده نیز در عمل، متوقف گردید!

بدین ترتیب، الزام ناشی از ترتیب قانونی مقرر در آن آئین نامه نقض و برداشته شده است و از آن پس، مردم عادی مجاز بودند بدون رعایت الزام فوق در مقام طرح دعاوی حقوقی خویش برآیند! و در عمل نیز، اصحاب دعوا در دعاوی مدنی فاقد الزام قانونی برای استفاده از وکلای دادگستری و لزوم تعقیب دعاوی مربوطه و مطروحه از سوی

آنها شدند. ترتیب مزبور، برخلاف اصل تخصصی بودن امور و دعاوی حقوقی و دخالت عملی مردم و شهروندان فاقد سواد و دانش حقوقی لازم در طرح و تعقیب دعاوی تخصصی و مختلف و تحمیل هزینه های پیدا و پنهان بر نظام حقوقی و قضایی کشور می باشد که شایسته تجدیدنظر و تدبیری اساسی و موثر برای کاهش ورودی پرونده های مطروحه در دادگاهها، اطلاع دادرسی و پیشگیری از طرح دعاوی غیر کارشناسی در محاکم و جلوگیری از وارد شدن هزینه های فراوان به جامعه و دادگستری می باشد و تراکم چند ده میلیونی پرونده های جاری و وارده به دادگاهها و محاکم قضایی کشور نیز نشان از مراتب یاد شده و لزوم الزامی شدن وکالت در دعاوی و ضرورت اصلاح و بهبود مدیریت قضایی جامعه دارد.

قانون احترام به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی:

ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی، ضمن مقرر داشتن لزوم رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف در خصوص کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت، بر خودداری از اعمال هرگونه سلاخی شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت تاکید شده است. در همین ارتباط، بند ۳ این ماده واحده مقرر کرده است: "محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند."

از اینرو، حق دسترسی به وکیل و حق دفاع متهم در این ارتباط، به ترتیب مزبور در آن قانون، مورد شناسایی قرار گرفته و بر لزوم فراهم آوردن موجبات استفاده از آن نیز تاکید شده است. ریاست قوه قضائیه نیز طی بخشنامه شماره ۱/۸۳/۷۱۶ مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۰ مراتب مزبور را به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور برای اجراء ابلاغ کرد و در پی آن نیز دادستان عمومی و انقلاب تهران با صدور دستورالعملی، چگونگی اجرای بخشنامه ریاست قوه قضائیه برای حفظ حقوق متهمان را ابلاغ کرد.

قانون مزبور با وجود برخی نوآوری های مهم مندرج در آن دارای اشکالات متعددی بوده که به جهت عدم استفاده از تجارب حرفه ای و تخصصی وکلای دادگستری، از ارائه طرحی جامع در حوزه دفاع حقوقی و کیفری در قانون مورد تصویب مجلس شورای اسلامی وقت و بخشنامه صادره ریاست قوه قضائیه و دادستان عمومی و انقلاب تهران

ناتوان بوده و علیرغم عنوان آن، فاقد کمترین توجه در زمینه "وکالت، وکیل و دفاع و کیل و نقش و اهمیت حضور وکیل در دفاع از حقوق موکل خویش" بوده و حق دسترسی به وکیل و حق دفاع را در قسمت اخیر بند ۳ آن بعنوان یک "فرصت" تلقی کرده و از آن نام می برد! و از ارائه هرگونه طریقی برای دفاع در دعوی مدنی و حقوقی، بنا به دلایل نامعلومی خودداری کرده است! و دستورالعمل اجرایی مربوطه نیز فاقد دستاورد موثری در این باره می باشد.

منشور حقوق شهروندی:

منشور حقوق شهروندی، بنا به دستور رئیس جمهور دوره یازدهم برای اطلاع عموم و جلب نظر مشورتی کارشناسان و متخصصان منتشر شد و در اخبار و رسانه ها نیز بعنوان "سند تحقق یکی از وعده های رئیس جمهور و دستاورد حقوقی دولت یازدهم، لایحه حقوق شهروندی و...." تلقی و معرفی شده است! صرفنظر از اهداف و منویات نویسندگان این منشور و اهداف پیدا و پنهان مترتب بر انتشار آن و بازخوردهای حاصله در این زمینه در بین مردم و کارشناسان، ضرورت داشت؛ این مهم، با نگاهی علمی، کارشناسی و نقادانه و بدور از هرگونه احساس و هیجان های عامیانه یا جهت گیری های سیاسی مرسوم، مورد بررسی و ارزیابی حقوقی و حرفه ای قرار گیرد.

با وجود معرفی این منشور بعنوان "منشور حقوق شهروندی" و ایجاد بارقه ای از امید و انتظار در خصوص حقوق شهروندی و امنیت حقوقی شهروندان، هیچ تعریفی از "شهروند، حقوق، حقوق شهروندی، مشخصه ها و ارکان آن و تمایز حقوق شهروندی با حقوق مدنی و حقوق بشر و..." در آن به چشم نمی خورد و گویی، تفاوت بین "حقوق شهروندی، حقوق مدنی و حقوق بشر" نیز محل توجه تدوین کنندگان این لایحه نبوده است! و این تفاوت و تمایز با تکرار مکرر و استفاده غیر کارشناسی و غیرحقوقی مفاهیم حقوق مزبور به جای یکدیگر، بدون توجه به تفاوت و تمایزات ماهوی بین آنها، به ظاهر، نزد آنان ناشناخته مانده و حتی، در اظهارات مکرر رئیس جمهور، وزیر دادگستری و برخی از مقامات حقوقی دولت نیز به همان ترتیب، مطرح شده است!

عدالت قضایی مذکور در بند های ۳-۸۵ تا ۳-۹۳ این منشور نیز بدون تعریف و تبیین نظام قضایی، مبتنی بر عدالت و قانونمندی، بدون تعریف دادرسی عادلانه، بدون توجه به نهادهای موازی قضایی و شبه قضایی، بدون توجه به مسئولیت ها و صلاحیت های نهادهای امنیتی و اطلاعاتی موازی با قوه مجریه و قضائیه و نیز بدون توجه به وضعیت

موجود حقوقی و قضائی مشهود در جامعه و محاکم قضایی و سایر اصول عمومی حقوقی و کیفری مربوطه، مورد اشاره نویسندگان این منشور قرار گرفته است که صرف نظر از ایرادات و اشکالات شکلی و ماهوی جدی بر آن، اساساً، به لحاظ فقدان هر گونه ضمانت اجرا در شناسایی و تضمین حقوق اساسی و شهروندی مردم در منشور حقوق شهروندی - حق دسترسی به وکیل و حق دفاع متهم و اصحاب دعوا و دارا بودن ماهیت منشوری و غیر تضمینی آن - فاقد اثر بخشی حقوقی و قانونی قابل انتظار نیز می باشد که با گذشت چند سال از تاریخ انتشار آن نیز فاقد هر گونه ضمانت قانونی لازم و موثر است!

بر این اساس، اگر دستور نظام قضایی و دادرسی مبتنی بر محاکمات علنی، بی طرف و مستقل توأم با برابری حقوق مردم و مسئولان، حق دسترسی ارادی به وکلای منتخب، حق دفاع مستقل، غیرمقید و بدون محدودیت حرفه ای و صنفی و تضمین حقوق برابر آنها نباشد - اگر حق دادخواهی و رسیدگی های قضایی با رعایت اصول و هنجارهای بین المللی نظام دادرسی عادلانه و محاکمات علنی و منصفانه در دستور کار نظام قضایی ایران توأم نگردد - اگر در محاکمات قضایی؛ " اصل بر مجرمیت و نه برائت " قرار گرفته و به ویژه، در جرائم سیاسی و امنیتی، اصل بر " احتیاط "، برخلاف آنها قرار گیرد - اگر قرار است؛ جامعه ایرانی فاقد ساز و کار تاسیس " دادگاه ویژه قانون اساسی و حقوق شهروندی "، به منظور تعقیب مسئولیت قانونی و کیفری ناقضین حقوق اساسی مردم و شهروندان نسبت به هر یک از اشخاص حقیقی و حقوقی مربوطه، بدون توجه به مقام و جایگاه و مسئولیت سازمانی آنها و با تاکید بر لزوم عدم تخصیص هر گونه دادگاه یا فرایند دادرسی ویژه و دادگاه خاص نسبت به آنها از حیث برابری مردم و مسئولان نسبت به هم و در برابر قانون، باشد - اگر بناست؛ خشونت علیه زنان و کودکان و نهادینه شدن خشونت علیه وکلای دادگستری در ایران، روند فزاینده ای به خویش یابد و اگر نیز نقض حقوق شهروندی مردم در هوای آلوده کلان شهرها و بی توجهی به آثار زیان بار آلاینده های زیست محیطی و تخریب فراگیر محیط زیست و سلب امنیت انسانی و شهروندی مردم و شهروندان؛ امری متعارف، عادی و رایج برشمرده شود - دیگر، صحبت از نهاد متولی حقوق شهروندی و حقوق بشر در ایران و یا تاسیس معاونت حقوق شهروندی در وزارت دادگستری یا خارج از آن، به سان منشور حقوق شهروندی رئیس جمهور، فاقد هر گونه ضمانت و کارکرد مثبت و مناسبی خواهد بود و نمادی است؛ شعاری و غیر کارشناسی نسبت به وعده ها و شعارهای سیاسی رقابت های جناحی و گروهی و نباید انتظار

تحول و معجزه از آن و مانند آن داشت...! تجارب و دستاوردهای مشابه در دولتهای قبلی در حوزه حقوق شهروندی و حقوق بشر نیز گواهی متقن بر این مدعاست.

سایر قوانین:

علاوه بر موارد مزبور، حق دسترسی به وکیل و حق دفاع نسبت به اصحاب دعوا و ساز و کار حقوقی و قانونی مربوطه و اختیارات و وظایف قانونی و کلای دادگستری و مسئولیت قانونی و انتظامی آنها و کارشناسان و نمایندگانی حقوقی مربوطه و مسائل حقوقی و قانونی آنها و ترتیبات مشابهی در قانون برنامه پنجم و ششم توسعه و نیز قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، قانون خدمات جامع ایثارگران با اصلاحات بعدی و مانند آنها در این ارتباط مقرر شده است. بعلاوه، در قانون امور حسبی (۱۳۱۹/۴/۲)، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (۱۳۳۲/۱۲/۵)، قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری (۱۳۵۶/۳/۲۵)، قانون حمایت قضایی از بسیج (۱۳۷۱/۱۰/۱)، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت (۱۳۷۶/۱/۱۷)، قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح (۱۳۷۶/۷/۲۹) با اصلاحات بعدی، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸)، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی (قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹)، قانون شورای حل اختلاف (۱۳۷۹) با اصلاحات بعدی، قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی، قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی)، قانون اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم (۱۳۹۴/۴/۳۱) و نیز در قانون مدنی از ماده ۶۵۶ تا ماده ۶۸۳ در باب وکالت و تعهدات وکیل و موکل و طرق مختلف انقضاء وکالت و نیز سایر قوانین مربوطه و نظام نامه و آیین نامه های اجرایی قوانین مزبور و دیگر آیین نامه های اجرایی مرتبط و نیز آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور به مانند آراء دیوان عدالت اداری و مراجع قضایی ذیربط از حیث رویه قضایی مربوطه، مورد شناسایی و اشاره قرار گرفته است.

علاوه بر این، لایحه "جرم زدائی از قوانین کیفری" به منظور جلوگیری از آثار سوء ناشی از جرم انگاری در مورد تخلفات کم اهمیت، کاهش هزینه های نظام عدالت کیفری و جلوگیری از گسترش بی رویه قلمروی حقوق جزا و تضییع حقوق و آزادی های عمومی، لایحه "حمایت از حقوق شهود و متهمان"، لایحه "حمایت از بزه دیدگان اجتماعی"، لایحه "حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوص افراد" در راستای اجرای اصل

بیستم قانون اساسی، قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱، قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴، قانون جرم سیاسی، مصوب ۱۳۹۵ و " طرح جامع پذیرش و آموزش کارآموز وکالت" (اعلام وصول در مجلس شورای اسلامی در ۲۰ اسفند ۱۳۹۶) و دیگر لوایح و قوانین مشابه و سرانجام، حکم حکومتی مقرر نسبت به جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور و تجویز تشکیل دادگاههای ویژه رسیدگی به جرائم مزبور و بخشنامه ابلاغی مربوطه از سوی رئیس قوه قضائیه در سال جاری در این خصوص نیز قابل اشاره و مطالعه می باشند.

بدین ترتیب، حق دفاع و حق انتخاب وکیل و دسترسی به وکیل مدافع در نظام حقوقی ایران در قانون اساسی، قوانین موضوعه عادی و روبه های قضایی، به ترتیبی که گذشت، به اشکال گوناگون در آن قوانین به رسمیت شناخته شده است. این حق در قانون اساسی به طور مطلق و بدون هر گونه قید و محدودیتی مقرر شده و دادگاهها نیز مکلف به پذیرش وکیل منتخب مردم و اصحاب دعوی به تجویز مقرر در اصل سی و پنجم آن و فراهم آوردن ساز و کار انتخاب وکیل از سوی افراد فاقد توانایی، در راستای حق بر معاضدت قضایی و حقوقی شده اند، لکن علیرغم شناسایی حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در قوانین عادی مطروحه و منع قانونی مقرر در اصل نهم آن قانونی در ممنوعیت هر گونه وضع قانونی سلب کننده آزادی های مشروع مردم و نیز با وجود تصریح به شناسایی حق دسترسی به وکیل در بسیاری از قوانین عادی مانند قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، مصوب ۱۳۵۶ با اصلاحات بعدی، ماده واحده حق انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی، ۱۳۷۱، قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۹ با اصلاحات بعدی، قانون احترام به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی، ۱۳۸۳- این حق به ترتیب مقرر در برخی از قوانین، از جمله تبصره ماده ۴۸ و ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی (۱۳۹۴/۳/۲۴) و ترتیب مقرر در بخشنامه ابلاغی صادره در تشکیل دادگاههای ویژه رسیدگی به جرائم متهمان اخلال در نظام اقتصادی، مقید به انتخاب وکیل از سوی آنها از میان وکلای دادگستری مورد تائید ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح، حسب مورد شده است! که حکایت از ایجاد محدودیت های متعدد قانونی از حیث حق دسترسی آزاد و ارادی به وکیل از سوی متهم، هم به لحاظ جرائم موضوعی، هم از حیث مراحل رسیدگی های قضایی و هم به جهت تمایز و تبعیض بین وکلای دادگستری، در راستای اعمال ساز و کارهای حقوقی و قانونی مقرر در تبصره ماده ۴۸، ماده ۶۲۵ قانون آیین

دادرسی کیفری جدید و نیز وکالت وکلای تبصره ماده ۴۸ در دادگاه های ویژه رسیدگی به جرائم متهمان جرائم اخلال در نظم اقتصادی کشور و دادگاه ویژه روحانیت می باشد.

با این وجود، قانون آیین دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در آئین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً؛ گرایش بر اعمال «اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم»، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع و وکیل، دادرسی الکترونیکی و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. در این قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیتها و موانع مقرر در خصوص حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل مدافع در فرایند دادرسی کیفری، به ترتیب مقرر در قانون سابق - اصل را بر حق انتخاب وکیل از سوی متهم، لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم به عنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضائی و ضابطان دادگستری و مسئولیت قانونی و انتظامی مترتب بر عدم رعایت آن، با وجود محدودیت های قانونی مقرر در تبصره ماده ۴۸ و ماده ۶۲۵ آن و برخی بدعت های تقنینی مشابه قرار داده است .

بخش دوم یادداشت:

حق دفاع و حق انتخاب وکیل و دسترسی به وکیل مدافع در نظام حقوقی ایران در قانون اساسی، قوانین موضوعه عادی و رویه های قضایی و دکترین حقوقی، به اشکال گوناگون به رسمیت شناخته شده است. این حق در قانون اساسی به طور مطلق و بدون هر گونه قید و محدودیتی مقرر شده و دادگاهها نیز مکلف به پذیرش وکیل منتخب مردم و اصحاب دعوی به تجویز مقرر در اصل سی و پنجم آن و فراهم آوردن ساز و کار انتخاب وکیل از سوی افراد فاقد توانایی، در راستای حق بر معاضدت قضایی و حقوقی شده اند، لکن علیرغم شناسایی حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در قوانین عادی مطروحه - این حق به ترتیب مندرج در برخی از قوانین، از جمله تبصره ماده ۴۸ و ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی (۲۴/۳/۱۳۹۴) و ترتیب مقرر در بخشنامه ابلاغی صادره در تشکیل دادگاههای ویژه رسیدگی به جرائم متهمان اخلال در نظام اقتصادی، ناشی از انتخاب و تعیین ارادی و آزاد وکلای منتخب متهمان مربوطه نبوده و مقید به انتخاب وکیل از سوی متهمان مزبور از میان وکلای دادگستری مورد تائید ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح، حسب مورد شده

است که نظر به تغییرات اساسی به عمل آمده در رویکرد سیاست کیفری این قانون و توجه ویژه به حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در آن، بدان خواهیم پرداخت.

حق دفاع و دسترسی به وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری (جدید) در یک نگاه:

قانون آیین دادرسی کیفری جدید در ۵۷۰ ماده و ۲۳۰ تبصره در جلسه ۲/۳/۱۳۹۰ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب گردید و مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ موافقت کرد، در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ نیز به تأیید شورای نگهبان رسید و در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳ در روزنامه رسمی کشور منتشر شده است و برابر ماده ۵۶۹ آن مقرر گردید؛ پس از شش ماه از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور لازم الاجرا شود، اما قبل از اجرای قانون مصوب و در شرف اجرای آن با ظهور "قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری"، مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی که در قالب "طرح تمدید مهلت اجرای قانون آیین دادرسی کیفری و اصلاحی موادی از آن" به مجلس به استناد اصل هشتاد و پنجم و در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم آن قانون، مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته و با اصلاحات متعدد و تغییرات فراوان و جدیدی همراه شده است، مواجه گردید!

قانون آیین دادرسی کیفری جدید در ۵۷۰ ماده و ۲۳۰ تبصره، مصوب جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ و تأیید شورای نگهبانی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳ طی شماره ۲۰۱۳۵ در روزنامه رسمی کشور منتشر شده است.

قسمت نخست این قانون از ماده ۱ تا ماده ۵۷۰ در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ و مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی به صورت آزمایشی به مدت سه سال به تصویب کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس رسید و در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳ طی شماره ۲۰۱۳۵ در روزنامه رسمی کشور منتشر شده است. قسمت دوم آن یعنی از مواد ۵۷۱ تا ماده ۶۹۹ که به صورت طرح به مجلس تقدیم شده بود تحت عنوان "قانون

آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی " در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ به تصویب کمیسیون یاد شده رسیده و در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ مورد تایید شورای نگبان قرار گرفت و به شماره ۲۰۲۹۷ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۰ نیز در روزنامه رسمی کشور منتشر شده است. علاوه بر این، قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری، مشتمل بر ۳۸ ماده در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس رسیده و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۷ مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفته و اصلاحات و الحاقات به برخی مواد و تبصره های ذیل آن به عمل آمده است.

این قانون، مشتمل بر دوازده بخش در قالب «کلیات، کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، دادگاههای کیفری، ادله اثبات و ادله الکترونیکی، رسیدگی و صدور رأی، مواعد و مرور زمان، احاله، اعتراض به رأی، اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی، هزینه دادرسی و سایر مقررات، آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح، دادرسی الکترونیکی، آیین دادرسی جرایم رایانه ای، آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی و سایر مقررات» تنظیم و تدوین شده است.

نقش و جایگاه قانون آیین دادرسی کیفری:

قانون آیین دادرسی کیفری، از مهم ترین قوانین شکلی و پایه ای بوده که مبتنی بر قواعد آمره و تخلف ناپذیر در فرایند دادرسی کیفری است و مقامات و مراجع قضایی و انتظامی فاقد حق قانونی در تفسیر و تعبیر نسبت بدان در مراحل تعقیب و تحقیق (دادسرا) و دادرسی کیفری (دادگاه) در پرونده ها و امور جزائی ارجاعی به آنها می باشند. اجرای درست و قانونمند این قانون؛ ضمن تضمین حقوق اصحاب دعوی کیفری؛ زمینه ساز تحقق نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری در نظام قضایی و جامعه نسبت به مردم و شهروندان نیز می گردد. نظر به لزوم به روز رسانی قانون آیین دادرسی و ضرورت اصلاح و تکمیل مقررات مرتبط با آن، همسو با تحولات نظام حقوقی، فرهنگی و اجتماعی مربوطه، تغییر آن در گذر زمان، اجتناب ناپذیر بوده و با توجه به عدم ایستایی تحولات مزبور و ضرورت اجرای مقررات کیفری مرتبط با دادرسی آن؛ تغییر مکرر قانون آیین دادرسی کیفری، خود زمینه بروز و ظهور نابه هنجاری های متعدد حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی را در عمل، فراهم خواهد آورد.

مقررات نظام قضایی و دادرسی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی دهه های اخیر دچار تغییرات و دگرگونی های متعدد و اساسی شده است. این تغییرات ضمن برهم زدن نظم کیفری و دادرسی موجود، سبب بروز و ظهور مشکلات و نارسایی های متعددی در نظام دادرسی و دادگستری ایران شده و پیامدهای پیدا و پنهانی را نسبت به حقوق اساسی

و شهروندی مردم و شهروندان با خود به همراه داشته است. حذف دادرها در تشکیلات قضایی کشور و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (قانون احیاء دادرها)؛ نمونه بارزی از اینگونه تغییرات در نظام دادرسی کیفری ایران بوده است که بازخوردها و پیامدهای اساسی و جدی آن، غیر قابل انکار می باشد! قانون آیین دادرسی کیفری نیز در اثنای ایام پایانی مهلت اعتبار قانونی سه ساله آن و با وجود ایرادات و اشکالات متعدد وارد بدان و عدم تصویب و اجرایی شدن بیشتر آیین نامه های اجرایی مقرر در آن قانون و عدم توجه به پیامدهای متعدد مترتب بر آن، با تصویب " قانون دائمی شدن قانون آیین دادرسی کیفری " در ۹ خرداد سال جاری، در ظاهر از سوی مجلس شورای اسلامی تعیین تکلیف گردیده است و در تاریخ ۱۶ تیر همین سال نیز در وضعیت موجود از سوی رئیس جمهور برای اجرا ابلاغ شده است!

قانون آیین دادرسی کیفری جدید با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مترتب بر آن، از جنبه ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دسترسی به وکیل، حق انتخاب وکیل، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمینات تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه برخوردار است و در صورت عدم تغییرات اساسی و کلی و رعایت اهداف اصلی قانونگذار در تدوین و تصویب آن، همراه به توجه جدی و موثر به فرایند و ساز و کارهای اجرایی این قانون با استفاده از تجارب حرفه ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم می تواند، موثر و نقش آفرین نیز گردد.

قانون مزبور با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آئین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال " اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم "، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. در این قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیت ها و موانع مقرر در خصوص حق دفاع و وکالت از متهم، اصل را بر شناسایی " حق دسترسی به وکیل، حق انتخاب وکیل " و لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم بعنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضایی و ضابطان دادگستری در تمام امور کیفری و نیز مسئولیت قانونی و انتظامی مترتب بر آن قرار داده است.

تغییر در صلاحیت نهاد دادستانی و بخش های تابعه، تدقیق شرح وظایف و اختیارات دادستان بعنوان نهاد تعقیب و بازپرس بعنوان نهاد تحقیق، تخصیص ضمانت های ناشی از مسئولیت انتظامی و قانونی آنها، حذف عملی قاضی

تحقیق و قاضی تحکیم و مسئولیت های رئیس حوزه قضایی و انتقال آن به دادستان و بازپرس، نظاممند کردن وظایف و مسئولیت های قانونی دادستان و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری، تقسیم بندی دادگاههای کیفری و تخصیص صلاحیت آنها، تغییر در نظام صدور قرارهای تامین قانونی و تخصیص قرارهای نظارت قضایی، پیش بینی تشکیل دادرسی و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان، تشکیل پلیس اطفال، تخصیص حق ملاقات متهم با خانواده و وکیل خویش، پیش بینی حق جبران خسارت و ضرر و زیان مادی و معنوی، لزوم تشکیل پرونده های شخصیتی برای متهمان و نیز اطفال و نوجوانان متهم، پیش بینی نظام دادرسی کیفری الکترونیکی، تقویت نقش و جایگاه وکیل مدافع در حقوق متهم و تقویت دادرسی عادلانه و مانند آنها و نیز تلاش برای منطبق ساختن نظام دادرسی کیفری با اصول نظام دادرسی عادلانه مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد حقوق بشری مربوطه، در راستای "اصل احترام به حقوق و آزادی های اساسی بشری" بعنوان یکی از قواعد شناخته شده در حقوق بین الملل و در نتیجه، پُر رنگ ساختن رویکرد حقوق بشری بدان و نیز گرایش به سیستم دادرسی و رسیدگی مختلط در عمل، دارد.

حق دسترسی و انتخاب وکیل مدافع در قانون آیین دادرسی کیفری:

تغییرات و تحولات اساسی به عمل آمده در زمینه "حق دسترسی و انتخاب وکیل مدافع در قانون آیین دادرسی کیفری" نسبت به قوانین گذشته در نظام دادرسی کیفری ایران مشهود و قابل توجه می باشد. موانع و محدودیت ها، چالش ها و ضرورت ها و اشکالات و نارسایی های حقوقی و قانونی مرتبط بر حقوق شهروندی و اساسی مردم و شهروندان در فرایند دادرسی کیفری، همراه با الزامات حقوقی ملی و بین المللی مربوط به ضرورت های حقوق بشری مربوطه، زمینه تغییر رویکرد و اصلاح و تکمیل مقررات مربوط به حق دسترسی و انتخاب وکیل مدافع را در راستای شناسایی و تضمین هر چه بیشتر حقوق متهم و حق دفاع وی و وکلای مدافع مربوطه در این قانون فراهم آورده است که به اجمال، بدان اشاره خواهد شد:

حق دسترسی به وکیل و آگاهی متهم نسبت به حق دفاع:

حق دسترسی به وکیل و آگاهی متهم نسبت به حق دفاع، به صراحت در قانون آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شده است. برابر ماده ۵ این قانون؛ "متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق

دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود." این حق، نه تنها صرفاً، محدود به " حق دسترسی به وکیل " نبوده، بلکه " حق اطلاع و آگاهی از موضوع و ادله انتسابی به همراه سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون" می باشد. در همین ارتباط، ماده ۶ این قانون مقرر می دارد: " متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود"

علاوه بر این، به دستور مقرر در ماده ۷ آن: " در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در" قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی"، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان، علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۴/۴) محکوم می شوند، مگر آنکه در سایر قوانین، مجازات های شدید تری مقرر شده باشد.

از این رو، نه تنها رعایت حق مزبور و حقوق شهروندی مقرر نسبت به متهم در تمام مراحل دادرسی کیفری از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاص مربوط به فرایند دادرسی ضروری و الزامی بوده و فراهم آوردن ساز کارهای رعایت و تضمین حقوق متهم در این ارتباط، یک " حق " و یک " تکلیف و الزام قانونی " است و نه " امتیاز قابل سلب و تفسیر شخصی " از سوی دست اندرکاران قضایی و انتظامی مربوطه، بلکه، عدم رعایت آن مستوجب مسئولیت قانونی و انتظامی مقرر نیز خواهد بود.

حق دسترسی به وکیل و حق ملاقات وکیل و متهم:

علاوه بر ضرورت آگاهی متهم از حقوق شهروندی و حق دفاع خویش و الزام به رعایت و فراهم آوردن ساز و کارهای حقوقی و قانونی مربوطه، طبق مواد ۵ و ۶ این قانون - "حق دسترسی به وکیل و حق ملاقات وکیل و متهم"، از دیگر حقوق اساسی شناخته شده در این قانون به موجب ماده ۴۸ آن می باشد. بر این اساس؛ حق حضور وکیل و ملاقات با متهم به موجب ماده ۴۸ قانون مصوب ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شده است. برابر تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ قبل از اصلاح از سوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی؛ " اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقه،

مواد مخدر و روانگردان و یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد."

با وجود ترتیب مزبور در تبصره ماده ۴۸، الزام قانونی مقرر در آن با تصویب « قانون اصلاح قانون آئین دادرسی کیفری» و درج ماده چهارم اصلاحی در آن درباره اصلاح تبصره آن ماده، ترتیب مزبور به کلی تغییر یافت. بر اساس تبصره ماده ۴۸، اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴؛ " در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد." و طبق ماده مزبور نیز مقرر گردید؛ " با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد."

علی رغم شناسایی حق دسترسی به وکیل و حق ملاقات متهم با وکیل خویش به ترتیب مقرر در ماده ۴۸ آن قانون و ترتیبات قانونی تجویز شده در آن، تبصره اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ با بدعتی تقنینی در نظام حقوقی و قضایی کشور؛ حق دسترسی به متهمان جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرائم سازمان یافته مشمول مجازات ماده ۳۲۰ این قانون را مقید به شروط متعددی، برخلاف اصول و هنجارهای بین المللی حقوق بشر و نظام دادرسی عادلانه کرده است. برابر تبصره اصلاحی مزبور در آن ماده؛ " در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد."

این در حالی است که طبق تبصره قبلی مندرج در آن ماده؛ " اگر شخص به علت اتهام ارتكابی یکی از جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، سرقت، مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موضوع بندهای الف(جرائم موجب مجازات سلب حیات)، ب(جرائم موجب حبس ابد) و پ(جرائم موجب مجازات قطع عضو و

جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن (ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد، مقرر شده بود.

بنابراین، اصلاح و الحاق تبصره مزبور به ماده ۴۸ این قانون در فرایند اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری؛ حکایت از محدود و مقید شدن حق انتخاب وکیل مدافع متهمان جرائم مذکور به از فهرست وکلای مورد تأیید ریاست قوه قضائیه، به ترتیب یاد شده دارد. ترتیب مزبور، نه تنها در تعارض با اصل موضوع حق دسترسی و حق انتخاب وکیل مدافع، در راستای شناسایی و تضمین حقوق متهم در دفاع در فرایند دادرسی کیفری و اصول و هنجارهای حقوق بشری مرتبط با حق دفاع متهم و نظام دادرسی عادلانه به نظر می رسد، بلکه در تعارض با اصل نهم (منع وضع و تصویب قوانین سلب کننده آزادی های مشروع مردم و شهروندان)، اصل سی و پنجم (حق انتخاب وکیل دادگستری از سوی اصحاب دعوا) و اصل سی و هفتم قانون اساسی (اصل برائت) می باشد و وضعیت دفاع متهمان جرائم یاد شده و وکلای مدافع منتخب آنها، در راستای حق دسترسی به وکیل مدافع و حق دفاع آنها، صرفنظر از تمایز و تبعیض بین آنها برخلاف اصول نوزدهم، بیستم و بیست و دوم قانون اساسی، برخلاف اصول قانونی مزبور و الزامات قانونی مربوط به حق دفاع (نه امتیاز دفاع) در هاله ای از ابهام قرار داشته و نگران کننده خواهد بود. همین مهم، موجبات اعتراض گسترده حقوقدانان و وکلای دادگستری و نهادهای صنفی وکالت را نیز فراهم آورده است. همین مهم نیز یکی دیگر از تفاوت های اساسی بین نظام حقوق کیفری بین المللی و نظام حقوقی ایران نسبت به حق دسترسی متهم در تحقیقات مقدماتی در دادرسی های قضایی است.

گرچه، ممنوعیت و محدودیت مزبور نسبت به جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر پیش بینی نشده و تجویز فوق نیز برخلاف محدودیت های قانونی مقرر در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق می باشد، اما مقید شدن حق انتخاب وکیل مدافع متهمان جرائم مذکور به از فهرست وکلای مورد تأیید ریاست قوه قضائیه، نه تنها در تعارض با اصل موضوع حق دسترسی و حق انتخاب وکیل مدافع، در راستای شناسایی و تضمین حقوق متهم در دفاع در فرایند دادرسی کیفری، به نظر می رسد، بلکه ترتیب مزبور، موجبات اعتراض گسترده حقوقدانان و وکلای دادگستری و نهادهای صنفی وکالت و سازمان های حقوق بشری را به ترتیب مزبور نیز فراهم آورده است.

وضعیت مذکور، به ترتیب مشابهی نیز نسبت به متهمان جرائم نظامی مقرر در ماده ۶۲۵ این قانون و انتخاب و کلای مدافع آنها از میان فهرست و کلای مورد تأیید ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح تکرار شده است و تاکنون، علیرغم گذشت پنج سال از تاریخ تصویب آن، هنوز فهرست مشخصی از وکلای مورد نظر ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح در این ارتباط، در رسانه های عمومی منتشر نشده است و وضعیت دفاع متهمان نظامی جرائم یاد شده و وکلای مدافع منتخب آنها، در راستای حق دسترسی به وکیل مدافع و حق دفاع آنها، برخلاف اصل ۳۵ قانون اساسی و الزامات قانونی مربوط به حق دفاع (نه تلقی حق دفاع بعنوان یک امتیاز) در حالی که از ابهام قرار دارد. و نسبت به متهمان غیر نظامی مشمول تبصره ماده ۴۸ آن قانون نیز در سال جاری نسبت به انتشار فهرست محدود و کلای منتخب مورد تأیید رئیس قوه قضائیه اقدام شده است که با بازخوردهای متعددی نیز در محافل حقوقی، رسانه ای و حقوق بشری داخلی و بین المللی نیز همراه بوده است.

حق تفهیم مکتوب حقوق متهم از سوی ضابطان دادگستری:

قانونگذار در تغییرات جدید در این قانون، صرفاً، به آگاهی و اطلاع متهم از حقوق قانونی خویش در زمینه دفاع در دادرسی کیفری اکتفاء نکرده و با توجه به تجارب و سوابق ناشی از فرایندهای دادرسی کیفری در گذشته - احتمال، عدم تفهیم درست و کامل آن یا اهمال در انجام مراتب را از سوی مراجع انتظامی نیز از نظر دور نداشته است و به منظور حفظ بیشتر حقوق متهم و رعایت و تضمین هر چه بیشتر آن، تفهیم مراتب مزبور را بعنوان یک حق نسبت به متهم و تکلیف قانونی نسبت به ضابطان دادگستری در این قانون مقرر داشته است. برابر ماده ۵۲ قانون مزبور: " هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند." قانون سابق فاقد ترتیب مزبور بوده است.

حق حضور و دخالت وکیل متهم در تحقیقات مقدماتی:

برخلاف ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق - برابر ماده ۱۹۰ قانون جدید: " متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس، به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه، متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می شود.

وکیل متهم می تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می شود."

این ماده، از مواد طلایی مقرر در قانون جدید بوده که منطبق با اصول حقوق بین الملل بشر می باشد و در قانون سابق، به ترتیب مزبور مقرر نشده بود. همچنین، طبق ماده ۳۷۱ این قانون؛ "قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می شود و دادستان یا نماینده وی نیز میتواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است."

از نوآوری های جدید و اساسی مقرر در این قانون در تخصیص ماده ۳۴۶ به مانند مواد ۵، ۱۹۰ و ۳۷۱ این قانون است. به موجب ماده ۳۴۶ قانون مزبور؛ "در تمام امور کیفری، طرفین می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است". ترتیب مزبور نیز حکایت از شناسایی مجدد حق دسترسی به وکیل و انتخاب وکیل مدافع از سوی اصحاب دعوا و نیز متهم در فراین دادرسی کیفری می باشد.

تکلیف به تعیین وکیل مدافع در فرایند دادرسی کیفری:

برابر ماده ۳۴۶ قانون جدید: "در تمام امور کیفری، طرفین می توانند وکیل یا مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است". طبق تبصره این ماده؛ "در غیرجرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هریک از طرفین می توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند". همچنین، به موجب ماده ۳۴۷ این قانون؛ "متهم می تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان، از نزدیکترین حوزه قضایی، برای متهم وکیل تعیین می نماید. ...". همچنین، برابر تبصره ۲ آن؛ "در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات

مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می کند. " و به موجب تبصره ۳ آن؛ " در مورد این ماده و نیز چنانچه، اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد، مفاد ماده ۱۹۱ جاری است."

علاوه بر این، به تجویز ماده ۳۴۸ قانون مزبور؛ " در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ، و ت ماده ۳۰۲ این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی شود. چنانچه، متهم، خود وکیل معرفی نکند و یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری، الزامی است و چنانچه، وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می شود."

لازم به ذکر است طبق ماده ۳۵۰ این قانون؛ " در صورتی که متهم دارای وکیل باشد، جز در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون (جرائم موجب مجازات سلب حیات، جرائم موجب حبس ابد و جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن) و نیز در مواردی که دادگاه حضور متهم را لازم تشخیص دهد، عدم حضور متهم در جلسه دادگاه مانع رسیدگی نیست."

تضمین سلب حق دفاع قانونی وکیل مدافع:

برابر تبصره ۱ ماده ۱۹۰ این قانون مقرر گردید؛ " سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم، موجب بی اعتباری تحقیقات می شود." متأسفانه، ترتیب مزبور در تبصره ۱ اصلاحی آن قانون در بازنگری ۱۴۹۴/۳/۲۴ آن به کلی، تغییر یافت و سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب مستوجب تخلف انتظامی درجه سه و هشت گردید و مبنای حقوقی و قانونی قابل توجیه آن مبهم می باشد! پیش از این نیز طبق ماده واحده مربوط به انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا، مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام بر لزوم رعایت مراتب یاد شده و تضمین سلب حق داشتن و دخالت وکیل تأکید شده است. برابر تبصره ۲ ماده واحده مزبور، " هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول، موجب مجازات انتظامی درجه سه و برای مرتبه دوم، موجب انفصال از شغل قضایی می باشد."

حق وکیل تعیینی و تسخیری و معاضدتی:

حق برگزیدن وکیل " وکیل تعیینی " و حق داشتن وکیل " وکیل تسخیری و معاضدتی "، بیانگر اهمیت نقش وکیل در تعیین سرنوشت احقاق حقوق در جامعه و اثر غیر قابل انکار آن در دادرسی منصفانه و مبتنی بر عدالت می باشد که در قانون جدید بدان تاکید شده است. اصل به رسمیت شناختن حق اشخاص در به همراه داشتن وکیل مدافع در تمام امور کیفری در صدر ماده ۳۴۶ قانون مزبور تصریح گردیده است و در تبصره آن ماده نیز مقرر شده است: " در غیر جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک، هریک از طرفین می توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند "؛ که مراد از تبصره فوق آن است، در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک - که به آن اشاره گردید - اشخاص می توانند حتی، بیش از دو وکیل مدافع را به منظور دفاع از حقوقشان به دادگاه معرفی نمایند البته در هر حال تعداد وکلا حداکثر می تواند سه نفر باشد (ماده ۳۸۵) و در سایر جرائم که طبعاً از اهمیت کمتری برخوردارند هریک از طرفین صرفاً امکان معرفی دو وکیل مدافع به دادگاه را خواهند داشت.

در هر حال، متهم می تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه رسیدگی کننده تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود که در این صورت، دادگاه پس از احراز عدم تمکن مالی متقاضی (ماده ۳۴۷) همچنین، در مواردی که دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای بزه دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند نیز برای آنها وکیلی تعیین می نماید (تبصره ماده فوق). از اینرو، توجه قانون گذار به همراهی وکیل با متهم تا آنجا پیش رفته است که چنانچه، متهم در جرائم موجب مجازات های سالب حیات و حبس ابد در مرحله تحقیقات مقدماتی اقدام به معرفی وکیل نکند، لازم است بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب نماید (تبصره ۲ ماده ۱۹) (ماده ۱۹)

مطالعه پرونده و قرار عدم دسترسی به مدارک پرونده:

طبق ماده ۳۵۱ آن قانون؛ " شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رئیس دادگاه، به هزینه خود از اوراق مورد نیاز، تصویر تهیه کنند". با این وجود، وفق تبصره ذیل این ماده؛ " دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است". برابر ماده ۱۹۱ این قانون " چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد، یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت، منافی

بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده، به اعتراض رسیدگی کند و تصمیم گیری کند. "گرچه، ترتیب مزبور، از ابتکارات قانون جدید بوده و در قانون قبلی انعکاسی نداشته است اما با وضع ماده مزبور و مقرر شدن اختیار صدور « قرار عدم دسترسی»، ابتکارات قانونی اخیر به نوعی نادیده انگاشته شده و یا حداقل تعدیل گردید.

الزام بازپرس به رسیدگی به جهات و دلایل جدید ابرازی از سوی متهم یا وکیل وی و آخرین دفاع:

طبق ماده ۲۶۲ این قانون؛ "بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی به وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلامی می‌کند که برای براءة یا کشف حقیقت، هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی را اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا براءة موثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است." همچنین، برابر ماده ۲۶۳ آن؛ "در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ یک از آنان بدون عذر موجه حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود."

بدین ترتیب، با وجود الزام قانونی مقرر در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری جدید (لزوم مستند بودن دادرسی کیفری به قانون و تضمین حقوق طرفین دعوا) و علیرغم، لزوم حق تفهیم و ابلاغ موضوع و ادله اتهام انتسابی و آگاهی نسبت به حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون طبق ماده ۵ آن و اصل سی و دوم قانون اساسی؛ حق انتخاب وکیل از سوی اصحاب دعوا و تکلیف قانونی دادگاهها به پذیرش وکیل منتخب آنها و الزام دادگاهها به تعیین وکیل معاضدتی و تسخیر نسبت به افراد فاقد توانایی (اصل سی و پنجم قانون اساسی)، بی اعتباری حکم محکمه در سلب حق دسترسی به وکیل (تبصره ۲ ماده واحده مربوط به انتخاب وکیل از سوی اصحاب دعوا، مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، لزوم تضمین حق دفاع متهم در فرایند دادرسی کیفری و فراهم آوردن ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق (ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری)، لزوم رعایت حقوق شهروندی مقرر در "قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی"، مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ (۱۹) از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، در تمام مراحل دادرسی کیفری (ماده قانون آیین دادرسی کیفری) و ضمانت قانونی مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی

(تعزیرات و مجازتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۴/۴) و سایر ترتیبات قانونی مقرر در قوانین مزبور و دیگر قوانین عادی و موضوعه- ضمانت اجرای عدم تفهیم و سلب حق دسترسی به وکیل به ترتیب مندرج در تبصره ۱ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴، مبنی بر تخلف انتظامی دانستن آنها به مجازات درجه سوم و هشتم از ضمانت کافی و تناسب در مجازات نسبت به ماهیت کیفری تعقیب متهم و پیامدهای مترتب بر آن نمی باشد و تضمین و اساسی ناشی از عدم رعایت این حق یا سلب آنرا باید در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، تبصره ۲ ماده واحده ماده واحده مربوط به انتخاب وکیل از سوی اصحاب دعوی، مصوب ۱۳۷۱/۷/۱۱ و رای وحدت رویه صادره از سوی هیات عمومی دیوان عالی کشور در این باره دانست.

به ترتیبی که گذشت؛ برابر تبصره ۱ ذیل ماده ۱۹۰ این قانون؛ "سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم (به تجویز همان ماده)، موجب بی اعتباری تحقیقات می شود". این در حالی است که در "قانون اصلاح قانون آئین دادرسی کیفری" مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴، تبصره مزبور، به ترتیب یاد شده، حذف و بدین ترتیب، اصلاح شده است؛ "سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم، به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است!". از اینرو، در اصلاحیه تبصره ۱ آن ماده، بی اعتباری تحقیقات ناشی از حق قانونی مزبور نسبت به متهم یا وکیل مدافع وی حذف شده است و صرفاً، مرتکب قضائی را مستوجب مجازات انتظامی مقرر دانسته است!

نظر به شناسایی حق دسترسی به وکیل در فرایند دادرسی کیفری و تکلیف دولتها به رعایت و تضمین آن، ساز و کار حقوقی و قانونی متعددی برای فراهم آوردن موجبات تضمین و اجرای آن در اسناد حقوق بشری و قوانین ملی دولتها، نوعاً مقرر می گردد. تضمین سلب حق دفاع و دسترسی به وکیل یا عدم تفهیم آن در نظام حقوق کیفری ایران، مبتنی بر مسئولیت انتظامی بر اساس آخرین تحولات مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، با اصلاحات و الحاقات بعدی می باشد. این در حالی است که پیش از این نیز طبق ماده واحده مربوط به انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا، مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام بر لزوم مراتب یاد شده و تضمین سلب حق داشتن و دخالت وکیل تأکید شده است. برابر تبصره ۲ ماده واحده مزبور: «هرگاه به تشخیص دیوانعالی کشور، محکمه ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول، موجب مجازات انتظامی درجه سه و برای مرتبه دوم، موجب انفصال از شغل قضائی می باشد». همچنین، طبق تبصره ۳ این ماده واحده، «وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شغل قضا، برخوردار می باشد».

با این وجود، علیرغم مقید شدن حق دفاع متهمان جرائم امنیتی و سازمان یافته (تبصره ماده ۴۸) و ترتیب مشابه مقرر نسبت به متهمان نظامی جرائم امنیتی و پرونده های مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری و در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح با تعیین وکلای مورد تائید ریاست آن سازمان و نیز نسبت به تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ که مقید به برخوردار از وکلای مورد تائید ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح (قوه قضائیه) طبق ماده ۶۲۵ آن قانون و نیز شمول مقررات تبصره ماده ۴۸ نسبت به متهمان جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور و تسری آن به دادگاه و بعد از مرحله تحقیقات مقدماتی مذکور در آن تبصره - عدم رعایت حق تفهیم حق دسترسی به وکیل و حقوق اساسی و قانونی متهم یا سلب آن از وی، به تجویز مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴، صرفا مستلزم مجازات انتظامی درجه سه و هشت مقرر شده است که با توجه به اهمیت جرائم مزبور و مجازات سنگین و موثر مترتب بر آنها و پیامدهای فراگیر رسیدگی کیفری نسبت به آنها - فاقد هر گونه تناسب و انطباقی نسبت به آن می باشد که شایسته تجدیدنظر خواهد بود.

بنابراین، علی‌رغم ترتیبات اصلاحی مقرر در تبصره ذیل ماده ۴۸ و تبصره ۱ ماده ۱۹۰، نقش حقوق متهم و وکیل مدافع در قانون جدید، برخلاف قانون قبلی بسیار پُرنگ شده است و مقرر داشتن مواد مزبور، در راستای تضمین حقوق اساسی اشخاص، از حیث حق دفاع و حق متهم در دفاع نسبت به اتهامات مطروحه پیش‌بینی شده است. رعایت حقوق جامعه، بزه‌دیده و متهم از اهم اهداف اجراء قانون جدید، مقرر در ماده ۱ آن بوده که از لوازم اعمال قانون فوق (ماده ۷ از قانون آئین دادرسی کیفری، ناظر بر بند ۳ از ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵) که با ضمانت اجراء مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مقید شده است، می‌باشد.

بخش سوم یادداشت:

در قسمت های نخست و دوم این یادداشت به موضوع حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در نظام حقوقی ایران و قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شده است. در این قسمت و بخش پایانی آن؛ محدودیت های مقرر نسبت به حق دفاع و مقید شدن حق دسترسی به وکیل و دادرسی های ویژه مرتبط با آن در نظام حقوقی ایران از سوی محمدرضا

زمانی درمزاری(فرهنگ)، وکیل دادگستری و مدیرمسئول موسسه حقوقی و بین‌المللی زمانی درمزاری مورد مطالعه قرار خواهد گرفته و پیشنهادات و راهکارهای حقوقی و حرفه‌ای مربوط به شناسایی و تضمین حق دسترسی به وکیل و حق دفاع ارائه خواهد شد.

ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲

تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ قبل از اصلاح از سوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی مقرر می‌داشت؛ "اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روانگردان و یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد."

بر این اساس، گرچه، حق حضور وکیل و ملاقات با متهم که ملازمه با حق دسترسی به وکیل دارد در این ماده به طور مقید(منع ملاقات با متهم تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن) از سوی قانونگذار به رسمیت شناخته شد، لکن تجویز مزبور مغایر با حق دسترسی متهم به وکیل و لزوم عدم هر گونه قید و محدودیتی نسبت به آن می‌باشد. از اینرو، محدود و مقید شدن حق ملاقات وکیل متهم، به ترتیب مزبور، با توجیه محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی و نیز عدم تجویز عملی وکیل متهم در فرایند تحقیقات مزبور می‌باشد و همین مهم نیز یکی از تفاوت‌های مبنایی و اساسی حق دسترسی به وکیل در نظام حقوقی کیفری بین‌المللی و اسناد حقوق بشری مرتبط با نظام حقوقی ایران به شمار می‌رود.

تبصره اصلاحی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۴

با وجود ترتیب مزبور در تبصره ماده ۴۸، الزام قانونی مقرر در آن با تصویب «قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری» و درج ماده چهارم اصلاحی در آن درباره اصلاح تبصره آن ماده، ترتیب مزبور به کلی تغییر یافت. بر اساس تبصره ماده ۴۸، اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴؛ "در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور

توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد. " و طبق ماده مزبور نیز مقرر گردید؛ " با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور و کیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد. "

علیرغم شناسایی حق دسترسی به وکیل و حق ملاقات متهم با وکیل خویش به ترتیب مقرر در ماده ۴۸ آن قانون و ترتیبات قانونی تجویز شده در آن، تبصره اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ با بدعتی تقنینی در نظام حقوقی و قضایی کشور؛ حق دسترسی به متهمان جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرائم سازمان یافته مشمول مجازات ماده ۳۲۰ این قانون را مقید به شروط متعددی، برخلاف اصول و هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر و نظام دادرسی عادلانه شده است. برابر تبصره اصلاحی مزبور در آن ماده؛ " در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین، جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد. "

این در حالی است که طبق تبصره قبلی مندرج در آن ماده؛ " اگر شخص به علت اتهام ارتكابی یکی از جرائم سازمان یافته و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، سرقت، مواد مخدر و روان گردان و یا جرائم موضوع بندهای الف) جرائم موجب مجازات سلب حیات)، ب) جرائم موجب حبس ابد) و پ) جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن (ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد، مقرر شده بود.

بنابراین، اصلاح و الحاق تبصره مزبور به ماده ۴۸ این قانون در فرایند اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری؛ حکایت از محدود و مقید شدن حق انتخاب وکیل مدافع متهمان جرائم مذکور به از فهرست وکلای مورد تأیید ریاست قوه قضائیه، به ترتیب یاد شده دارد. ترتیب مزبور، نه تنها در تعارض با اصل موضوع حق دسترسی و حق انتخاب وکیل مدافع، در راستای شناسایی و تضمین حقوق متهم در دفاع در فرایند دادرسی کیفری و اصول و هنجارهای حقوق بشری مرتبط با حق دفاع متهم و نظام دادرسی عادلانه به نظر می‌رسد، بلکه در تعارض با اصل نهم (منع وضع و تصویب قوانین سلب کننده آزادی های مشروع مردم و شهروندان)، اصل سی و پنجم (حق انتخاب وکیل دادگستری

از سوی اصحاب دعوا) و اصل سی و هفتم قانون اساسی (اصل برائت) می باشد و وضعیت دفاع متهمان جرائم یاد شده و وکلای مدافع منتخب آنها، در راستای حق دسترسی به وکیل مدافع و حق دفاع آنها، صرفنظر از تمایز و تبعیض بین آنها برخلاف اصول نوزدهم، بیستم و بیست و دوم قانون اساسی، برخلاف اصول قانونی مزبور و الزامات قانونی مربوط به حق دفاع (نه امتیاز دفاع) در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و نگران کننده خواهد بود. همین مهم، موجبات، موجبات اعتراض گسترده حقوقدانان و وکلای دادگستری و نهادهای صنفی و کالت را نیز فراهم آورده است و یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی بین نظام حقوق کیفری بین المللی و نظام حقوقی ایران نسبت به حق دسترسی متهم در تحقیقات مقدماتی در دادرسی‌های قضایی است.

با این حال، اگرچه، حق دسترسی به وکیل به طور کلی در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته شده است و اصل سی و پنجم قانون اساسی نیز ناظر به این مهم و تجویز و کالت تعیینی و وکالت معاضدتی نسبت به افراد و شهروندان می باشد و حق مزبور با شناسایی آن در قوانین موضوعه و عادی دیگر، به ترتیب گفته شده، مورد تاکید قانونگذار ایرانی قرار گرفته است، لکن رویکرد مبنایی و اصلی نظام حقوقی ایران نسبت به جرائم امنیتی و سازمان یافته و در وضعیت مشابه نسبت به جرائم متهمان نظامی در این باره به مانند متهمان جرائم اخلاف در نظام اقتصادی کشور، مبتنی بر رویکرد امنیتی- سیاسی و مقید شدن حق دسترسی به وکیل در جرائم مقرر در ماده ۴۸ و تبصره ذیل آن، ماده ۶۲۵ و تجویز اخیر ابلاغی به محاکم قضایی سراسر کشور (مرداد ۱۳۹۷) در ابلاغ بخشنامه صادره از سوی ریاست قوه قضائیه در انعکاس مراتب تشکیل دادگاههای ویژه رسیدگی به جرائم متهمان اخلاف در نظم اقتصادی کشور می باشد.

رویکرد مزبور که حکایت از تقدم اصل احتیاط بر اصل برائت برخلاف اصل سی و هفتم قانون اساسی دارد، به ترتیب گفته شده، سبب گردید؛ علاوه بر مقید شدن حق دسترسی به وکیل در موارد مذکور- حق متهم در برخورداری از وکیل منتخب خویش در جرائم امنیتی و سازمان یافته به تجویز ماده ۴۸ و تبصره ذیل آن به مانند ماده ۶۲۵ آن قانون، پس از مرحله تحقیقات مقدماتی و در مرحله دادرسی و رسیدگی های قضایی معطوف گردد و صرفاً وکیل متهمان مزبور مجاز به استفاده از وکلای مورد تائید ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح در مرحله تحقیقات مقدماتی می باشند و وکلای خارج از فهرست مورد تائید آن مقامات برخلاف اصل

صلاحیت ذاتی و کلای دادگستری و الزامات قانونی مقرر در اصل سی و پنج آن قانون و نظامات حقوقی مربوط به وکالت، مجاز به وکالت و دفاع از متهمان مزبور نمی باشند.

بر این اساس، نظام حقوقی ایران گویا، فاقد هر گونه رویکرد اصلاحی در نظام تقنینی و قضایی کشور در جهت اصلاح جهات مقرر در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، اصلاحی ۱۳۹۴ به مانند ماده ۶۲۵ آن قانون و توجه شایسته به الزامات قانونی مقرر در اصول نهم، نوزدهم، بیستم، سی و پنجم و سی و هفتم قانون اساسی، ماده واحده حق انتخاب وکیل از سوی اصحاب دعوی (۱۳۷۰) و اصول و هنجارهای حقوق بشری نظام دادرسی عادلانه نسبت به حق بر معاضدت قضایی و حقوقی و حق دسترسی آزادی و ارادی به وکیل منتخب متهم به نظر می رسد.

ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲

مقید شدن حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی (۱۳۹۷/۳/۲۴)، به ترتیب مشروحه قبلی صرفاً، محدود به موضوعات تبصره ماده ۴۸ این قانون (جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و سازمان یافته) نگردید و مشمول تسری به ماده ۶۲۵ این قانون نیز شده است. برابر این ماده؛ " در جرائم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا کلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضائی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می نمایند" و طبق تبصره ذیل آن نیز؛ " تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ تابع مقررات مذکور در این ماده است."

از این رو، در وضعیت مشابه با تبصره اصلاحی ماده ۴۸ آن قانون - حق دسترسی به وکیل در جرائم نظامیان علیه امنیت داخلی کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری و در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح است و نیز نسبت به تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ، مقید به برخوردار از وکلای مورد تأیید ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح (قوه قضائیه) می باشد و نسبت به جرائم علیه امنیت خارجی برخلاف تبصره ماده ۴۸ ظاهراً، شمولی ندارد.

صرف نظر از وضعیت یاد شده و علیرغم انتشار فهرست ۲۰ نفره اولیه و کلای موضوع تبصره ماده ۴۸ این قانون، تاکنون هیچ فهرستی از وکلای منتخب و مورد تأیید ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح در رسانه های عمومی

منتشر و اطلاع رسانی نشده است و وضعیت اجرای ماده ۶۲۵ قانون مزبور به مانند وضعیت حق دسترسی متهمان جرائم نظامی مذکور به وکیل و حق دفاع آنها، در هاله ای از ابهام قرار دارد. وضعیت مزبور از زمره تفاوت های دیگر دو نظام حقوق کیفری بین المللی و نظام حقوقی ایران از حیث حق دسترسی به وکیل در تحقیقات مقدماتی رسیدگی های قضایی به شمار می رود.

مقید شدن حق دسترسی به وکیل در دادگاه های ویژه

دادگاه ویژه روحانیت

برابر تبصره ۳ ماده ۱۳ اصلاحیه آئین نامه دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت، مصوب ۱۳۸۴/۹/۵؛ " کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفراء دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران و فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، و مدیران کل اطلاعات استانها که به لحاظ روحانی بودن نامبردگان فوق پرونده آنان در دادرها و دادگاه ویژه روحانیت مطرح می گردد و نیز کلیه اتهامات نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادرها و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد" و طبق ماده ۲۸ اصلاحی آن آیین نامه؛ " عبارت (تحت تعقیب دادرهای ویژه) به (تحت تعقیب قانونی) تبدیل می گردد

طبق تبصره ۱ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، در خصوص " انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی"، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۱)؛ " اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب وکیل دارند، دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می کند، تا از میان آنان به انتخاب متهم، وکیل انتخاب گردد". از اینرو، نظر به صلاحیت خاص دادرها و دادگاه ویژه روحانیت طبق مواد ۲ و ۱۳ آیین نامه دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت در مرداد، مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی و فرایند رسیدگی کیفری ویژه در آن و منع وکالت وکلای غیر روحانی نسبت به روحانیون تحت تعقیب در آن دادرها و دادگاه طبق تبصره ماده واحده مزبور- محدودیت مزبور، نه تنها مانع از حق دسترسی متهمان آن دادرها و دادگاه به وکلای دادگستری غیر روحانی در

مقام دفاع در آن مراجع خواهد بود، بلکه نظام حقوق کیفری بین المللی فاقد ترتیب مشابه می باشد و این موضوع بعنوان یکی دیگر از وجوه تفاوت و تمایز آن با نظام حقوقی ایران به شمار می رود.

دادگاه‌های نظامی (تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ)

ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید به ترتیبی که گذشت، مقرر می دارد؛ "در جرائم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضائی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می نمایند" و برابر تبصره ذیل آن نیز؛ "تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ تابع مقررات مذکور در این ماده است". بر این اساس، حق دسترسی به وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ به مانند جرائم نظامیان علیه امنیت داخلی کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری و در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح است مقید به برخوردار از وکلای مورد تأیید ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح (قوه قضائیه) می باشد و ظاهراً محدودیت مزبور فاقد تسری به مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسی نظامی در تعیین وکیل در زمان جنگ به لحاظ تصریح بدان مبنی بر "تعیین وکیل در دادگاه نظامی در زمان جنگ" به نظر نمی رسد.

گرچه، در اسناد حقوق بشری به مانند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، تشکیل دادگاههای متناسب با وضعیت های خاص مقرر شده است و از این حیث، فاقد منع حقوقی لازم می باشد، لکن ضرورت دارد؛ هنجارها و اصول حقوق بشری مربوط به حق بر دادرسی عادلانه و حق دسترسی به وکیل در فرایند دادرسی کیفری رعایت گردد. صرفنظر از مراتب مزبور، ساز و کار حقوقی مقرر در ماده ۶۲۵ و محدودیت قانونی مندرج در آن از حیث مقید شدن حق انتخاب وکیل از سوی متهمان نظامی جرائم مطروحه در آن، از دیگر تفاوت های قابل اشاره بین دو نظام حقوق کیفری بین المللی و نظام حقوقی ایران از حیث دسترسی به حق وکیل در دادرسی های قضایی می باشد.

دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم متهمان اخلاص در نظام اقتصادی کشور (۱۳۹۷)

با وجود محدودیت مقرر در تبصره ماده ۴۸ آن قانون و شمول آن در مرحله تحقیقات مقدماتی - تحولات نوین به عمل آمده در حوزه وکالت و نظام دادرسی ایران و بخشنامه صادره و ابلاغی ریاست قوه قضائیه، مبتنی بر شمول و

تسری مقررات ماده ۴۸ نسبت به جرائم اخلال در نظم اقتصادی کشور در مرحله دادگاه، برخلاف ترتیب مقرر در آن ماده (مرحله تحقیقات مقدماتی) بوده و به معنای افزایش محدودیت قانونی مقرر از مرحله تحقیقات مقدماتی تا مرحله دادرسی و محاکمه در دادگاه از حیث مقید شدن حق دسترسی به وکیل متهمان جرائم مزبور می باشد که در مغایرت با اصول و هنجارهای حقوق بشری نظام دادرسی عادلانه به مانند اصول نهم، نوزدهم، بیستم و سی و پنجم قانونی اساسی و رای وحدت رویه صادره هیات عمومی دیوان عالی کشور و ماده واحده حق انتخاب وکیل از سوی اصحاب دعوای (۱۳۷۱) و دیگر قوانین معتبر و جاری نظام حقوقی ایران به نظر می رسد.

رئیس قوه قضائیه به ترتیبی که گذشت؛ در مرداد ماه سال جاری (۱۳۹۷) در نامه‌ای به مقام محترم رهبری با اشاره به جنگ اقتصادی دشمنان علیه ملت ایران و انجام برخی جرائم از سوی عده‌ای از اخلال گران و مفسدان اقتصادی در این شرایط همسو با اهداف دشمنان، درخواست کرد؛ اجازه اقدامات ویژه در برخورد قاطع و سریع در چارچوب قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۹ / ۹ / ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رعایت موارد مقرر در آن نامه داده شود. در این نامه پیشنهاد شده است که ضمن تشکیل دادگاه ویژه رسیدگی کننده به جرائم مزبور، هرگونه تعلیق و تخفیف مجازات اخلال گران و مفسدان اقتصادی ممنوع باشد.

بدین ترتیب، با تجویز حکم حکومتی صادره در مرداد سال جاری (۱۳۹۷)، بنا به درخواست ریاست قوه قضائیه و طبق بند ۵ نامه درخواستی وی، علاوه بر تسری به جرائم متهمان اخلال در نظام اقتصادی کشور، حوزه شمول آن از مرحله تحقیقات مقدماتی تا مرحله دادگاه در آن جرائم نیز افزایش یافت و محدود شدن حق دسترسی به وکیل، به ترتیب مقرر در تبصره اصلاحی ۱۳۹۷/۳/۲۴ ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مبنی بر تعیین وکیل از میان وکلای مورد تأیید ریاست قوه قضائیه، نه تنها مشمول متهمان جرائم اخلال در نظام اقتصادی و احتکار عمده نیز گردید، بلکه شمول اجرایی آن از مرحله تحقیقات مقدماتی به مرحله دادگاه نیز گسترش یافت. بدعت تقنینی و قضایی مزبور که در نظام حقوقی ایران از شهریور سال جاری (۱۳۹۷) لازم الاجراء گردید و در دستور کار تعقیب دادگاههای ویژه جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور قرار گرفت، تفاوتی آشکار با اصول و هنجارهای حقوق بشری نظام حقوق کیفری بین المللی و اسناد حقوق بشری بین المللی و منطقه ای دارد.

صرف نظر از اهداف و مبانی طرح این درخواست، بند ۵ مذکور در این نامه از حیث تعمیم مفاد مقرر در تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری (مقید شدن انتخاب وکیل از سوی متهمان جرائم امنیتی و سازمان یافته) به جرائم مربوط به اخلال در نظم اقتصادی و تسری آن از مرحله تحقیقات مقدماتی در مرجع دادرسی به دادگاه با عبارت؛ " مفاد تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص وکیل، در دادگاه نیز مجری خواهد بود" که در عمل، با توجه به عدم تدقیق شمول دادگاه به دادگاه بدوی یا مراحل دادرسی بالاتر و محتمل بودن تفسیر موسع آن به زیان متهمان مربوطه در فرایند دادرسی کیفری، همراه با کاهش مواعد قانونی مقرر در قانون آیین دادرسی از حیث ابلاغ و اعتراض، حداکثر به مدت ۵ روز، به ترتیب مقرر در بند ۴ آن نامه و نیز قطعی و لازم الاجرا دانستن آرای صادره از سوی دادگاه ویژه رسیدگی کننده به جرائم اخلال در نظم اقتصادی، به جز اعدام و قابل تجدیدنظر بودن آن به مدت حداکثر ۱۰ روز در دیوان عالی کشور، پیامدهای غیر قابل جبران آن بر حقوق متهم و مبهم بودن وضعیت تضمین حقوق آنها و فرایند دادرسی بر مبنای اصول قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و هنجارهای حقوق بشری مربوط به نظام دادرسی عادلانه قابل تامل خواهد بود. دادگاه های ویژه اخیر و جدید مانند "دادگاه سلطان سکه" و دیگر متهمان مشابه در همین ارتباط، قابل اشاره می باشد.

رویه قضایی محاکم قضایی در اعمال نسبی حق دسترسی به وکیل

نظر به مسئولیت های قانونی و انتظامی مقرر در ماده واحده حق انتخاب وکیل از سوی اصحاب دعوا (تبصره ۲)، الزام قانونی مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی و مواد ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز تغییرات اساسی و بنیادین به عمل آمده در قانون اخیر نسبت به حقوق شهروندی و اساسی مربوط به حق بر معاضدت قضایی و حقوقی و حق برخورداری از وکیل در راستای حق دفاع و حق بر دادرسی عادلانه- با وجود ضرورت آموزش و نهادینه شدن " فرهنگ وکالت و حقوق شهروندی در ایران"، به منظور آگاه سازی مردم و شهروندان نسبت به حقوق قانونی خویش و حق دفاع از خود و نیز موانع و محدودیت های قانونی، عرفی، اجتماعی و حرفه ای پیش روی آن- گرایش نسبی قضات محاکم قضایی و دادرهای عمومی و انقلاب نوعاً، مبتنی بر شناسایی و دخالت دادن وکلای مدافع در فرایند دادرسی کیفری است و محدودیت اصلی در این باره، به ترتیب مقرر در تبصره ماده ۴۸، ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری و ترتیب مشابه نسبت به وضعیت متهمان جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور (۱۳۹۷) و شمول مقررات تبصره ماده ۴۸ آن قانون نسبت بدان می باشد که بیشتر در مرحله تحقیقات مقدماتی،

با توجه به محرمانه بودن آن و ماهیت جرائم مربوطه (جرائم امنیتی و سازمان یافته و پرونده های مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری و در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح و نیز نسبت به تعیین و کیل در دادگاه نظامی زمان جنگ) که مقید به تعیین و کلاهی مدافع آنها به مانند متهمان جرائم اخلاص در نظام اقتصادی کشور از میان و کلاهی مورد تائید ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح (قوه قضائیه) گردیده است.

برابر بند ۳ ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات (۱۳۹۰)؛ "خودداری از پذیرش مستندات و لوایح طرفین و و کلاء آنان جهت ثبت و ضبط فوری در پرونده" و طبق بند ۵ آن ماده؛ "استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی" مستوجب تخلف انتظامی مقرر در آن قانون بر شمرده شده است که قضات مرتکب آن با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه شش تا ده محکوم می شوند. نظر به آنکه، عدم تفهیم یا سلب حق دفاع متهم طبق تبصره اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، بعنوان یک تخلف انتظامی درجه سه و هشت بر شمرده شده است، عدم رعایت الزام قانونی مزبور مستلزم تخلف مقام قضایی تعقیب کننده متهم بوده و برابر قانون نظارت بر رفتار قضات (۱۳۹۰) و به ترتیب یاد شده، مستوجب تعقیب و مسئولیت انتظامی مقرر می باشد. بعلاوه، ترتیب مشابهی از حیت مسئولیت قانونی و انتظامی مقام قضایی رسیدگی کننده به پرونده در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش بینی شده است.

بنابراین، عدم رعایت الزامات قانونی مقرر نسبت به حقوق اصحاب دعوا و بویژه، متهم در فرایند دادرسی کیفری و عدم تفهیم حق دفاع و دسترسی به وکیل و سایر حقوق قانونی وی یا سلب آن در فرایند دادرسی، مستوجب مسئولیت انتظامی و قانونی مقام قضایی متخلف شده و از حیت استنکاف از رسیدگی نیز بعنوان مستنکف از حق شناخته شده و دارای مسئولیت کیفری مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) نیز خواهد بود

ضمانت سلب حق دسترسی به وکیل در آرای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

با وجود رای وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر مسئولیت قانونی مترتب بر سلب حق برخورداری از وکیل از سوی محکمه و بی اعتباری رای صادره از سوی دادگاه - رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱؛ بیانگر عدم الزام قانونی به دخالت وکیل برای اقامه دعاوی حقوقی، شکایت از

آراء و دفاع از آنها رأی می باشد. ترتیب متفاوت موجود در رویه های قضایی محاکم دادرسی ایران، همراه با ضمانت غیر موثر نسبت به عدم تفهیم یا سلب حق دسترسی به وکیل و حق دفاع نسبت به متهم، به ترتیب مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری از اثر بخشی تضمینات قانونی مترتب بر عدم رعایت و تضمین این حق در فرایند دادرسی کیفری خواهد کاست و موجبات نقض مکرر آن را در اثنای رسیدگی های قضایی فراهم خواهد آورد.

بررسی مزبور بیانگر آن است، برخلاف تضمینات اساسی مقرر در نظام حقوق کیفری بین المللی و اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر مبنی بر بی اعتباری تحقیقات مقدماتی و احکام صادره نسبت به متهمی که حق دفاع و دسترسی وی به وکیل سلب شده است یا حقوق اساسی مربوط به دفاع به وی تفهیم و ابلاغ نگردیده است و مسئولیت های مترتب بر آن نسبت به مقامات قضایی ذیربط و فرایند دادرسی کیفری و شناسایی آن بعنوان مصداق نقض مواد ۱۴ و ۱۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از حیث نقض حقوق بشر، به ترتیب منتشره در گزارشات ادواری کمیته حقوق بشر سازمان ملل یا دادگاه اروپایی حقوق بشر و کمیسیون امریکایی حقوق بشر- با وجود الزامات و تضمینات قانونی مقرر در رای وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور ، تبصره ۲ ماده واحده حق انتخاب وکیل از سوی اصحاب دعوا(۱۳۷۱) و الزام قانونی مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی و مواد ۷ و تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی- عدم تفهیم حق دسترسی به وکیل و یا سلب آنها بنا به تحولات اخیر حاصله در نظام حقوقی ایران، صرفاً، مبتنی بر مجازات انتظامی درجه سه و هشت به تجویز مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ آن قانون برشمرده شده است! .

علاوه بر این، حتی، مقید و محدود شدن حق دسترسی به وکیل و حق دفاع متهم با برخورداری از وکیل منتخب و مورد نظر خود نیز به ترتیب مقرر در تبصره ماده ۴۸ و ماده ۶۲۵ آن قانون، مبتنی بر بدعتی قانونی و رویکردی قانونمند شده و از سوی نظام تقنینی و قضایی کشور نیز به ترتیب مشروحه ، به رسمیت شناخته شده است و عدم تفهیم این حق یا سلب آن در آن جرائم نیز مستوجب مسئولیت انتظامی مزبور می باشد که متناسب با اهمیت و شدت مجازات و وضعیت فرایند دادرسی کیفری نمی باشد.

نتیجه و راهکارها:

حق دسترسی به وکیل ناشی از اصل برائت و اصل آزادی اراده متهم بوده که در اسناد حقوق بشری و موازین حقوقی و قانونی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است. حق دسترسی به وکیل از حقوق اساسی، شهروندی و بشری متهم بوده و نه امتیاز قابل سلب نسبت به وی به شمار می رود. برابر اصول و هنجارهای حقوق بشری نیز دولتها ولو، با وضع قوانین داخلی و ملی نیز مجاز به سلب و محدودیت نسبت بدان نمی باشند. با این وجود، حق آزاد و ارادی دسترسی به وکیل در جرائم امنیتی، سیاسی و سازمان یافته در بسیاری از کشورها؛ از جمله در نظام حقوقی ایران جلوه دیگری به خود یافته و به ترتیب مقرر در قوانین موضوعه آنها، مقید و محدود به شرایطی می گردد که برخلاف نرْم های حقوق بشری مرتبط با حق دفاع و نظام دادرسی عادلانه نیز به نظر می رسد.

حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی و قضایی، از زمره حقوق شناخته شده نسبت به حق بر دادرسی عادلانه به شمار می رود و معیار تضمین نظام دادرسی عادلانه به شمار می رود که در مواد ۱۴ و ۱۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد شناسایی و تضمین قرار گرفته است. حق بر معاضدت حقوقی و قضایی نسبت به متهم و حق دفاع در اسناد کلی مصوب دادرسی عادلانه در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق بشر منطقه ای مورد شناسایی صریح یا تلویحی قرار گرفته و بر لزوم رعایت و تضمین آن حق برخورداری از یک دادرسی عادلانه از حقوق اساسی بشر است. این حق در شمار حقوق قابل اجرای بین المللی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تصویب کشورهای جهان قرار گرفته است و مشتمل بر اصول متعددی است که در معاهدات بین المللی و منطقه ای شناسایی شده است.

حق دفاع و حقوق متهم از اصول اساسی، شهروندی و بشری به شمار می رود. شخص متهم نیز به مانند مظنون برخورداری از حقوق مشترک یا خاص خویش می باشد. از اینروست که حق دسترسی به وکیل و حق دفاع از حقوق اساسی و بنیادی افراد بشر و متهم در فرایند دادرسی کیفری به شمار می رود که مبتنی بر دفاع از سوی متهم یا از طریق وکیل منتخب خود اعمال می گردد و ممکن است در جرائم دارای کیفر سنگین چون اعدام نیز بر مبنای الزامات حقوقی و قانونی مربوط به تعیین وکیل تسخیری در راستای حق بر معاضدت حقوقی و قضائی مبادرت به تعیین وکیل برای متهم گردد که در این حالت، نه تنها تعیین وکیل وی الزامی بوده، بلکه در صورت عدم تعیین و تخصیص وکیل نسبت به وی - ضمن نقض حق بنیادی دسترسی به وکیل نسبت به وی، موجبات بی اعتباری دادرسی کیفری و حکم صادره نیز فراهم خواهد شد.

بر این اساس، متهم حق دارد به دفاع شخصی از خود بپردازد یا آنکه از وکیل بهره ببرد. حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی کیفری، حتی اساسی و بنیادی در راستای حق دفاع وی بوده که امکان دفاع موثری را به متهم می دهد و ضمن تقویت وصف دادرسی منصفانه، موجبات جلب اعتماد عمومی را به سیستم عدالت کیفری ارتقاء می بخشد. این حق در اسناد متعدد بین المللی تضمین شده است. از اینرو، حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و بهره مندی متهم از وکیل مدافع در مراحل تحقیقات مقدماتی، یکی از تضمین های اساسی، به منظور تحقق حق دفاع متهم و اعمال اصل برابری سلاح میان طرفین دعوی، اصول سی و پنجم و سی و ششم قانون اساسی به لزوم حقوق طرفین دعوا توجه دارد.

حق داشتن وکیل، از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم است و فلسفه وجودی این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی از آنجا ناشی می شود که متهم در دفاع از خود در مقابل مقام تحقیق کننده که آشنا به مسائل حقوقی و قوانین است، بتواند از کمک افراد آگاه و متخصص برخوردار باشد تا بین وی و مقام تحقیق به لحاظ اطلاعات و تجارب حقوقی و استفاده موثر از قانون، توازن برقرار شود. حضور وکیل مدافع نه تنها به لحاظ اطلاع و آگاهی از موازین قانونی و حقوقی در دفاع از اتهام انتسابی به متهم مفید است، بلکه باب هرگونه سوءاستفاده فرا قانونی را از ضابطین دادگستری و قضات در جمع آوری دلایل غیرحقوقی و غیرقانونی سلب می کند.

بدین ترتیب، حق بهره مندی از وکیل یا مشاور حقوقی؛ یکی از اجزای فنی حق دفاع متهم و تضمینهای دادرسی عادلانه در موازین بین المللی حقوق بشر به شمار می رود. حق مزبور در تمام فرایندهای قضایی مورد احترام است. حق دفاع و کلا و اهمیت استقلال آنها در اسناد و موازین بین المللی حقوق بشر (اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای مرتبط) از حیث شناسایی استقلال و کلا و حق دفاع آنها، در چهارچوب "حق بر دادرسی منصفانه" مورد تصریح و تاکید قرار گرفته است. حق برخورداری از وکیل، یکی از حقوقی است که در نظام حقوق بین الملل بشر پذیرفته شده است و از مصادیق حقوق بشر، اصل برائت و تساوی سلاح ها به شمار می رود که در راستای منافع متهم و جامعه مقرر شده است و مشمول مراحل تعقیب و تحقیق از مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا تا مرحله صدور حکم و اجرای آن نیز خواهد بود.

حق متهم بر داشتن وقت و امکانات کافی برای آماده کردن دفاع در بند ۳ ماده ۱۴ (ردیف "ب") میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده و متاثر از ترتیب حقوقی مقرر در ردیف "ب" بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی

حقوق بشر می باشد. این حق نه تنها نسبت به اشخاص متهم، بلکه نسبت به وکلای مدافع آنها نیز اعمال می شود و مربوط به همه مراحل دادرسی است و بر این مبنا؛ نه تنها حق دسترسی به وکیل بعنوان یکی از معیارهای دادرسی عادلانه مورد شناسایی و تضمین قرار گرفته است، بلکه ضروری است؛ ساز و کار دفاع موثر آن نیز در راستای حق دسترسی متهم به وکیل و حق بر معاضدت حقوقی و قضایی مربوطه نیز فراهم گردد. این حق صرفاً، به متهم اختصاص نداشته و مظنون و تحت نظر نیز از آن برخوردار می باشند.

لازمه دسترسی به وکیل و حق بر معاضدت حقوقی نسبت به متهم در ایجاد امکان ارتباط مناسب و موثر بین وکیل و متهم می باشد حق دسترسی به وکیل مشمول تمامی مراحل دادرسی از کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و رسیدگی های قضایی می باشد که نه تنها باید رعایت و تضمین گردد، بلکه ضروری است موجبات تحقق مستمر و موثر آن نیز فراهم گردد. شناسایی "حق دسترسی به وکیل" برای متهم و ایجاد بستری برای دفاع کارآمد وکیل، از مهم ترین پیش شرط های تحقق تساوی سلاح در راستای تحقق دادرسی عادلانه به شمار می رود. بر این اساس، مداخله وکیل برای دفاع از حقوق اصحاب دعوا، نه تنها در راستای دفاع از حقوق اصحاب دعوا تلقی می شود، بلکه گامی در راستای دفاع از منافع جامعه از طریق فرایند دادرسی مبتنی بر نظم عمومی جامعه نیز به شمار می رود.

حق دسترسی به وکیل و حق دفاع از حقوق طبیعی، بنیادی و بشری شناخته شده در اسناد حقوق بشری و بین المللی است که مبتنی بر تکلیف دولتها به شناسایی و تضمین آن در نظام حقوق ملی آنها به شمار می رود. حق دسترسی به وکیل از حقوق بنیادین بشر بوده که باید در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش از دادرسی تا مرحله پایان آن، تضمین و رعایت شود. لازمه تحقق این مهم در شناسایی و تضمین حق مزبور در نظام حقوق ملی و رعایت آن در نظام دادرسی و قضایی می باشد که ضروری است در قوانین اساسی و عادی کشورها به رسمیت شناخته شود. قلمرو حق دسترسی به وکیل در مراحل مختلف دادرسی از مرحله تعقیب و تحقیق تا پایان مرحله دادرسی را شامل شده و علاوه بر دادرسی های کیفری، مشمول دادرسی های اداری و غیر قضایی نیز می شود، اما در معنای خاص آن بعنوان یکی از حقوق متهم یا مظنون، حسب مورد در فرایند دادرسی کیفری مطرح است.

بنابراین، دادرسی عادلانه، تضمین حقوق بنیادین بشر در مرحله تحقیقات و دادرسی کیفری است. محاکمه عادلانه، از زمره معیارهای حقوق بشر در نظام دادرسی ملی و بین المللی به شمار می رود. با این وجود، تضمین رعایت همه جانبه اصول مرتبط با نظام دادرسی عادلانه از شناخت و به رسمیت شناختن آن مهمتر بوده و مورد تاکید است.

تضمین مزبور تحت مصالح و سیاست های خاص دولتها و حکومت ها تعدیل شده و بویژه، در دادگاههای سیاسی و امنیتی و مانند آنها، دستخوش رسیدگی های قضایی فرمایشی و حکومتی قرار گرفته و ضمن نقض عملی اصول و هنجارهای آن، ادعای استقلال و بی طرفی قضایی و برگزاری علنی بودن دادگاهها و رعایت حقوق همه جانبه متهم، ادعایی بی اساس می باشد.

منشاء اعتبار اصول مزبور، به جهت جهان شمول بودن آن و بعنوان معیارهای جهانی مرتبط با حقوق بین الملل بشر بوده و برخاسته از توافقات و معاهدات دو یا چند جانبه و بین المللی نمی باشد. اصل دادرسی عادلانه، بعنوان یکی از اصول حقوقی شناخته شده در سطح ملی و بین المللی بوده و بعنوان یکی از منابع حقوق بین الملل به شمار می رود و حقوق و تعهدات در دعاوی مدنی و کیفری نباید توسط نهادهای سیاسی یا مراجع تابع دستور العمل ها، رسیدگی شود، بلکه باید توسط یک مرجع قانونی صالح، مستقل و بی طرف انجام گیرد و مراجع اداری نیز با رعایت ترتیب یاد شده (استقلال و بی طرفی در رسیدگی) می توانند مشمول ماده مزبور قرار گیرند.

حق دسترسی به وکیل از معیارهای اصلی حق بر دادرسی عادلانه در فرایند دادرسی کیفری به شمار می رود و در تحقیقات مقدماتی در رسیدگی های قضایی کیفری بین المللی مبتنی بر اسناد معاهداتی و غیر معاهداتی مورد شناسایی و تضمین قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مهم ترین اسناد بین المللی در خصوص حقوق بشر به شمار می روند. اسناد مزبور، حاوی اساسی ترین و بنیادی ترین حقوق افراد بشر می باشد و در بر دارنده استانداردهای مختلف برای دادرسی، به منظور تضمین حقوق اشخاص می باشد. حق دفاع یکی از معیارهای دادرسی عادلانه در آن اسناد بر شمرده شده است. بر این اساس، حق بر دادرسی عادلانه نیز یکی از نُرم های قواعد حقوق بشر است. حق بر معاضدت قضایی و حقوقی و حق دسترسی به وکیل؛ از زمره معیارهای حق بر دادرسی عادلانه به شمار می رود. بدین ترتیب، دادرسی عادلانه مبتنی بر معیارها و تضمین های اساسی برای نیل به دادرسی منصفانه مقرر در آن می باشد و حق دسترسی به وکیل (حق انتخاب وکیل) طبق ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بعنوان یکی از نرم ها و اصول حقوق بشری نظام دادرسی عادلانه، در راستای حق دفاع متهم می باشد.

با این وجود، تفاوت در رویکردها و نظام قضایی هر یک از آنها، همراه با رویه های قضایی متفاوت بین آنان، علیرغم اشتراک در اصل حق بر دادرسی عادلانه، حق بر معاضدت قضایی و حقوقی و شناسایی حق دسترسی به

وکیل برای متهم در راستای حق دفاع وی، موجبات اختلاف در رویه های قضایی و دیدگاههای حقوقی آنها را فراهم آورده است، لکن، نظر به بنیادی بودن حقوق بشر و شمول عام آن و لزوم شناسایی و تضمین اصول و هنجارهای نظام دادرسی عادلانه در فرایند رسیدگی های قضایی در ملل مختلف، می توان با تعدیل رویکردها و تلاش برای جلب اشتراک نظرها در مقام هدایت نظام قضایی کشورهای متبوعه به سوی نظام دادرسی عادلانه و پرهیز از تشتت در قوانین موضوعه نسبت به هم و آن برآمد.

تجلی عینی برابری و کلای دادگستری در نظام کیفری بین المللی در شناسایی حق وکالت و دفاع و کلای دادگستری دارای صلاحیت قانونی و پروانه وکالت برای دفاع از متهم در اسناد حقوق بشری بدون هر گونه تمایز و تبعیض بین آنها در راستای برابری و مساوات حقوق افراد بشر به رسمیت شناخته شده است و نظام دادرسی ایران با پذیرفتن تفکیک مرحله تعقیب و تحقیق از مرحله دادرسی گرایش به سمت نظام دادرسی مختلط یافت، لکن قواعد آیین دادرسی کیفری آن در زمینه حق بر دادرسی عادلانه و اصول و هنجارهای حقوق بشری آن نیز، بویژه با تاسیس ساز و کارهای حقوقی و قانونی مرتبط با مقید شدن حق دسترسی به وکیل و حق دفاع، کمتر متأثر از قواعد حقوق بین الملل و مقررات حقوق بشر بوده است!

در همین ارتباط، علیرغم الزامات قانونی مقرر در اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی، مبنی بر برابر حقوق افراد و عدم تفاوت بین آنها- تجویز وکالت نسبت به متهمان جرائم امنیتی و سازمان یافته و اخلا در نظم اقتصادی کشور، مبتنی بر مقید شدن آن صرفاً به وکلای مورد تائید ریاست قوه قضائیه (تبصره ذیل ماده ۴۸) و ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح نسبت به متهمان نظامی جرائم علیه امنیت داخلی پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری و در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح (ماده ۲۶۵) در نظام حقوقی ایران و تبدیل آنها به وکلای خودی و غیر خودی و لایه بندی وکلای مدافع در نظام حقوقی ایران و مخدوش ساختن اعتبار حقوقی و بین المللی نظام وکالت و قضاوت در کشور در محافل حقوق بشری و بین المللی خواهد شد.

بر این اساس، نظام حقوقی کیفری بین المللی مبتنی بر آزادی حرفه ای وکلای مدافع در دفاع و وکالت از کلیه متهمان جرائم عمومی، سیاسی و امنیتی بوده و رویکرد نظام حقوقی ایران مبتنی بر سلب و محدودیت حق دفاع نسبت به کلیه وکلای دادگستری دارای پروانه وکالت و صلاحیت حرفه ای و تبعیض، الزام به تعیین آنها از فهرست وکلای منتخب ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح و تمایز میان آنها در جرائم امنیتی و

سازمان یافته و جرائم متهمان نظامی مشابه به مانند متهمان جرائم اخلال در نظم اقتصادی کشور نسبت به وکلای داخل در فهرست ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح، به تجویز تبصره ذیل ماده ۴۸، ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری، با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴/۳/۲۴ و نیز تسری و شمول آن به جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور طی بخشنامه اخیر الصدور ابلاغی به محاکم قضایی در نظام حقوقی ایران به نظر می رسد.

حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی رسیدگی های قضایی در نظام حقوق کیفری بین المللی و نظام حقوق کیفری ایران مبتنی بر بر شناسایی و تضمین این حق در نظام حقوق کیفری بین المللی (اسناد حقوق بشری بین المللی و منطقه ای، حقوق بین الملل بشردوستانه، رویه های قضایی کیفری بین المللی، نظریات کمیسیون های حقوق بشر منطقه ای و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد) بوده و سلب آن نوعاً، بعنوان نقض حقوق بشر مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد حقوق بشری مربوطه بر شمرده می شود.

این حق در نظام حقوق کیفری ایران نیز مورد شناسایی قرار گرفته است و در قانون اساسی ایران با صراحت شناسایی و تضمین شده است، اما قوانین عادی آن، بطور نسبی آنرا مورد شناسایی قرار داده و در برخی از تحولات تقنینی به عمل آمده در نظام حقوقی ایران؛ رویکرد مقنن بر تعدیل حق دسترسی به وکیل و مقید کردن آن، به ترتیب مندرج در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸، تبصره ماده ۴۸ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴، ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ و نیز تسری شمول مقررات موضوع تبصره ۴۸ به جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور، حتی، نسبت به مرحله دادگاه دارد و تضمینات قانونی مقرر نسبت به عدم تفهیم حق برخورداری از وکیل یا سلب آن متناسب با اهمیت و شدت مجازات مقرر مراتب یاد شده و جرائم موضوع صلاحیت آن مواد نداشته و بازدارنده نمی باشد.

علاوه بر این، حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی رسیدگی های قضایی در نظام حقوق کیفری بین المللی بعنوان یکی از معیارهای دادرسی عادلانه و تضمین فرایند دادرسی کیفری بوده و در بیشتر اسناد حقوق بشری نسبت به مرحله دادگاه و محاکمه مقرر شده است، اما نظر به لزوم رعایت آن در راستای تضمین دادرسی عادلانه، این حق نسبت به مرحله تحقیقات مقدماتی در مرحله تحقیقات مقدماتی در رسیدگی های قضایی در نظام حقوق کیفری بین المللی نیز جاری بوده و بر لزوم رعایت آن نیز تاکید شده است. ترتیبات مقرر در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و رویه های قضایی دادگاههای کیفری بین المللی ناشی از لزوم

رعایت حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی رسیدگی های قضایی در نظام حقوق کیفری بین المللی می باشد و عدم رعایت آن بعنوان نقض حق دفاع متهم و نقض حق بر دادرسی عادلانه تلقی می گردد.

در همین ارتباط، حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی رسیدگی های قضایی در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته شده است و در قانون اساسی و قوانین عادی آن تبلور یافته است. گرچه، اصل سی و پنجم قانون اساسی به حق انتخاب وکیل از سوی طرفین دعوا در دادگاه ها و تکلیف دادگاههای به پذیرش وکیل و لزوم تعیین وکیل معاضدتی در راستای حق بر معاضدت حقوقی و قضایی در دادگاه تصریح دارد و اشاره ای به تحقیقات مقدماتی در مرحله دادرسی (مرحله تعقیب و تحقیق در پیش از محاکمه و دادرسی) ندارد، اما نظر به لزوم تفهیم حق اطلاع از اتهام و ادله اتهامی نسبت به فرد تحت نظر و متهم به موجب اصل سی و دوم قانون اساسی و نیز منع وضع هر گونه قانونی سلب کننده آزادی های مشروع مانند حق دسترسی به وکیل طبق اصل نهم آن قانون، در لزوم شمول این حق نسبت به مرحله تحقیقات مقدماتی در آن قانون تردیدی به نظر نمی رسد.

با این وجود، محدودیت های قانونی مقرر نسبت به حق دسترسی به وکیل در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸ و تبصره ماده ۴۸ آن قانون، اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴، مبنی بر لزوم تعیین وکلای متهمان جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و سازمان یافته از میان وکلای منتخب رئیس قوه قضائیه، مشمول مرحله تحقیقات مقدماتی بوده و در مرحله پایان تحقیقات مقدماتی و ورود پرونده به دادگاه در عمل منتفی خواهد شد، لکن تحول اخیر و جدید به عمل آمده در نظام حقوقی ایران، مبنی بر تجویز شمول مقررات تبصره ماده ۴۸ نسبت به جرائم اخلال در نظم اقتصادی کشور و تسری آن از مرحله تحقیقات مقدماتی به مرحله دادگاه، بیانگر افزایش محدودیت قانونی مقرر نسبت به متهمان جرائم مزبور، دائر بر لزوم تعیین حق دسترسی به وکیل از میان وکلای منتخب رئیس قوه قضائیه در مرحله دادگاه نیز می باشد و در تعارض با اصل تفسیر مضیق به نفع متهم و اصول نهم، نوزدهم، بیستم و سی و پنجم قانونی اساسی نیز خواهد بود.

با این حال، نظر به شناسایی و تضمین حق دسترسی به وکیل در نظام حقوقی کیفری بین المللی، آثار مترتب بر محدودیت و سلب حق دسترسی به وکیل در دادرسی کیفری متضمن نقض حق بر دادرسی عادلانه و حق بر دسترسی به وکیل بعنوان یکی از معیارهای اساسی آن و در نتیجه، نقض حقوق بشر می باشد، اما با وجود تکلیف قانونی به پذیرش وکیل از سوی دادگاهها و الزام آنها به تعیین وکیل نسبت به افراد ناتوان و نیز تجویز حق انتخاب

وی از سوی طرفین دعوا به موجب اصل سی و پنجم قانون اساسی و تضمینات قانونی مقرر در تبصره ۲ ماده واحده حق انتخاب و کیل از سوی اصحاب دعوا و رای وحدت رویه صادره از سوی هیات عمومی دیوان عالی کشور، مبنی بر بی اعتباری حکم صادره و مسئولیت قانونی مترتب بر آن و فراهم بودن موجبات مسئولیت قانونی مذکور در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) - تضمین جدید و اخیر مندرج در تبصره ۱ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مبتنی بر " تخلف انتظامی درجه هشت و سه " نسبت به عدم تفهیم حق داشتن و کیل یا سلب آن، برخلاف الزامات قانونی مزبور می باشد.

شایان ذکر است؛ همسو بودن دادرسی کیفری در تحقیقات مقدماتی و رسیدگی های قضایی با اصول و هنجارهای حقوق بشری نظام دادرسی عادلانه در نظام حقوق کیفری بین المللی و عدم انطباق نظام دادرسی کیفری ایران با آن با تجویز موانع و محدودیت های قانونی مقرر نسبت به حق دسترسی به و کیل و حق دفاع متهمان جرائم امنیتی و سازمان یافته و اخلال در نظام اقتصادی کشور و نیز ممنوعیت حق دفاع وکلای خارج از فهرست وکلای مورد تأیید ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضائی نیروهای مسلح، برخلاف اصول نهم، نوزدهم، بیستم و سی و پنجم قانونی اساسی در نظام حقوقی ایران، از دیگر جنبه های متفاوت دو نظام حقوقی کیفری بین المللی و نظام حقوقی ایران از حیث حق دسترسی به و کیل در تحقیقات مقدماتی در دادرسی های قضایی آنها به شمار می روند.

علاوه بر این، تقدم اصل برائت در دادرسی کیفری نسبت به متهم در اسناد حقوق بشری و نظام حقوق کیفری بین المللی و تقدم اصل احتیاط در دادرسی کیفری جرائم امنیتی و سازمان یافته، بنا به اظهار برخی از مسئولان مربوطه و اخلال در نظم اقتصادی کشور در نظام حقوقی ایران، همراه با تضمین اصل استقلال و بی طرفی قضایی در دادرسی کیفری در اسناد حقوق بشری و نظام حقوق کیفری بین المللی با وجود نهادهای موازی با قوه قضائیه و دادگستری در نظام حقوقی ایران و متاثر شدن عملی و احتمالی اصل استقلال و بی طرفی قضایی نسبت به متهم و حق دسترسی به و کیل، به ویژه، در جرائم امنیتی و سازمان یافته، در این رابطه قابل تامل و بررسی است.

بدین ترتیب، حق دسترسی آزاد و بدون قید و شرط و محدودیت به و کیل و حق دفاع متهم در تحقیقات مقدماتی در دادرسی های قضایی در اسناد حقوق بشری و نظام حقوقی کیفری بین المللی به رسمیت شناخته شده است و تضمین گردیده است، اما این حق در نظام حقوقی ایران، با وجود شناسایی و تضمین مقرر در اصول متعدد قانون اساسی (اصل سوم، نهم، نوزدهم، بیستم، سی و پنجم قانون اساسی) و فقدان هر گونه ممانت و محدودیت در انتخاب

ارادی و آزادی و کلای منتخب متهم بر اساس آنها و مقرر داشتن ترتیبات مشابه در برخی از قوانین عادی مانند ماده واحده حق انتخاب وکیل از سوی اصحاب دعوا (۱۳۷۰) و تکلیف دادگاهها به پذیرش وکیل منتخب طرفین دعوا طبق اصل سی و پنجم قانون اساسی - اساساً، رویکرد نظام حقوقی ایران در قوانین موضوعه به سمت تعدیل و محدود ساختن حق دسترسی به وکیل به ترتیب مقرر در مواد ۴۸ و ۶۲۵ تاکید بر دیدگاه امنیت گرانسبت به جرائم سیاسی، امنیتی و سازمان یافته می باشد که اخیراً نیز حق دسترسی مقید و محدود به وکیل متهم در جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور و احتکار عمده نیز تجویز گردیده است و موجبات نقض احتمالی حقوق شهروندی و اساسی افراد، بویژه متهمان در فرایند دادرسی کیفری نسبت به جرائم مذکور از حیث مقید شدن حق دسترسی به وکیل منتخب و ممتنع بودن حق انتخاب ارادی و آزاد وکیل مورد نظر آنها از سوی آنها، منتفی نخواهد بود.

باید دانست که؛ احترام به وکیل و شان و کلای مدافع و تضمین مستمر و موثر حق بر دادرسی عادلانه و حق دسترسی به وکیل در تمامی مراحل رسیدگی های قضایی، احترام به شان قانون و رعایت کرامت انسانی به شمار می رود و حمایت از حق دفاع متهم در دادرسی کیفری نیز تضمین رعایت حقوق طبیعی اشخاص به ویژه، حق حیات و آزادی اشخاص است و حرکت در مسیر هنجارهای حقوق بشری نظام دادرسی عادلانه بوده و مقید و محدود شدن حق دسترسی به وکیل و شناسایی نسبی آن در مرحله دادگاه و عدم تخصیص آن در مرحله پیش از دادرسی و تحقیقات مقدماتی در رسیدگی های قضایی موجبات نقض حقوق بشر را در نظام حقوق کیفری بین المللی و نظام حقوق کیفری ایران فراهم خواهد آورد که خلاف مقتضای نرهای حقوق بشری دادرسی عادلانه و تضمین حقوق بشر نسبت به آزادی های اساسی و حقوق بنیادین بشری است.

به ترتیبی که گذشت؛ حق دفاع و حق انتخاب وکیل و دسترسی به وکیل مدافع در نظام حقوقی ایران در قانون اساسی، قوانین موضوعه عادی و رویه های قضایی، به ترتیبی که گذشت، به اشکال گوناگون در آن قوانین به رسمیت شناخته شده است. قانون آئین دادرسی کیفری جدید نیز با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در آئین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم، نوعاً؛ گرایش بر اعمال «اصل تفسیر مُضیق به نفع متهم»، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه دیده، شاهد، مطلع و وکیل، دادرسی الکترونیکی و مانند آنها در فرایند رسیدگی کیفری دارد. در این قانون، ضمن حذف بسیاری از محدودیتها و موانع مقرر در خصوص حق دسترسی به وکیل و حق انتخاب وکیل مدافع در فرایند دادرسی

کیفری، به ترتیب مقرر در قانون سابق - اصل را بر حق انتخاب و کیل از سوی متهم، لزوم داشتن وکیل و حق دفاع وی از متهم به عنوان موکل خود و ضرورت تفهیم حقوق قانونی متهم از سوی مرجع قضائی و ضابطان دادگستری و مسئولیت قانونی و انتظامی مترتب بر عدم رعایت آن قرار داده است.

نقش حقوق متهم و وکیل مدافع در قانون جدید، با وجود برخی از انتقادات وارده نسبت به آن بسیار پُرنگ شده است و مقرر داشتن مواد مزبور در راستای تضمین حقوق اساسی و شهروندی متهم به مانند سایر شهروندان پیش بینی و مقرر شده است. تغییرات مشهود و متعدد به عمل آمده نسبت به حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری و تغییرات گسترده در رویکرد قانونگذار در نظام حقوقی ایران، گام ارزشمندی در جهت تحقق عدالت کیفری نسبت به حقوق متهم و سایر افراد دارد که در صورت رعایت و تضمین حقوق اساسی و شهروندی مقرر در آن، می توان شاهد تحقق تدریجی و روزافزون آن بود.

در این میان، نقش وکلای مدافع در آگاهی نسبت به الزامات قانونی و حرفه ای مربوط به حقوق متهم و سایر اصحاب دعوا و تعقیب قانونی مراتب در جهت استیفای حقوق موکلین خویش و فراهم آوردن موجبات تحقق امنیت قضایی شهروندان و مطالبه آن از مراجع قضایی و انتظامی و مسئولان قضایی و دولتی و تلاش برای " فرهنگ سازی حقوق شهروندی و وکالت در ایران" و نهادینه کردن آن در میان مردم، دولت و رسانه ها و هدایت آن به سوی نظام آموزشی و فرهنگی کشور، می تواند بستر مناسبی برای دادگری و دادآفرینی وکلای مدافع در فرایند دادرسی مدنی و کیفری، کاهش اختلافات و پیشگیری از وقوع جرائم و حجم فزاینده پرونده های وارده به محاکم قضایی را فراهم نماید.

در همین ارتباط، با درک درست حق دسترسی به وکیل در تحقیقات مقدماتی در رسیدگی های قضایی در نظام حقوق کیفری بین المللی و نظام حقوق کیفری ایران بعنوان یکی از معیارهای عادلانه و منصفانه بودن دادرسی کیفری با تضمین موثر و همه جانبه این و ضرورت پیشگیری و جلوگیری از نقض حق بر دادرسی عادلانه و حقوق بشر ناشی از سلب حق دفاع متهم - پیشنهادات و راهکارهای حقوقی و حرفه ای ذیل جهت تقویت شناسایی و تضمین این حق در فرایند دادرسی کیفری و مرحله تحقیقات مقدماتی رسیدگی های قضایی در نظام های حقوقی مزبور برای نیل به حق دسترسی به وکیل و حق دفاع و نهادینه شدن آن در نظام حقوقی و دادرسی ایران، بهبود و اصلاح مدیریت قضائی و تقنینی کشور، به شرح ذیل قابل ارائه می باشد:

ضرورت " آسیب شناسی حق بر دادرسی عادلانه در فرایند دادرسی کیفری در نظام حقوق کیفری بین المللی و نظام حقوق کیفری ایران" و " آسیب شناسی حق دفاع و وکالت در ایران" با شناسایی موانع، محدودیت ها و چالش های پیش روی حق بر دادرسی عادلانه و حق دفاع متهم، فرصت ها و ضرورت های پیش روی تحقق و تضمین موثر آن و تبیین آن بعنوان یک قاعده مبنایی در حقوق بین الملل بشر و نظام حقوقی ملی دولتها و تبیین و تعقیب مستمر راهکارهای مناسب آن.

ضرورت تغییر " رویکرد امنیت گرای نظام حقوقی ایران" و نظام های حقوقی مشابه نسبت به جرائم، متهمان و آیین دادرسی کیفری در رسیدگی های قاضی و توجه به شان و جایگاه حقوقی، ملی و بین المللی وکلای دادگستری در تضمین حق بر دادرسی عادلانه.

لزوم شناسایی و تضمین همه جانبه حق دسترسی به وکیل در کلیه مراحل رسیدگی های قضایی و رفع هر گونه مانع و محدودیت قانونی از حیث حق دسترسی به وکیل و شناسایی نقض آن بعنوان نقض حقوق بشر و حق شهروندی در قوانین کشور، همراه با لزوم بازنگری در اصل سی و پنجم قانون اساسی و تصریح حق انتخاب وکیل نسبت به کلیه مراحل دادرسی های قضایی، از جمله، در مرحله تحقیقات مقدماتی.

لزوم احترام به حقوق شهروندی و بشر نسبت به کلیه افراد و متهمان تحت تعقیب قضایی در کلیه مراحل دادرسی و تغییر و اصلاحی قوانین موضوعه و عادی در جهت انطباق هر چه بیشتر آنها با اصول و هنجارهای حقوق بشری حق بر دادرسی عادلانه و حق دسترسی به وکیل و تضمین اساسی و موثر آن در نظام تقنینی و قضایی کشور.

ضرورت استفاده از تجربیات حقوقی کشورهای توسعه یافته و بهره مندی از دیدگاهها و نظرات کارشناسی مطروحه از سوی سازمان ملل و اجرای قطعنامه های مصوب آن سازمان در زمینه حقوق بشر، دادرسی و حق دفاع و وکالت.

ضرورت شناسایی و تضمین حق دسترسی به وکیل در تمامی اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر نسبت به مرحله تحقیقات مقدماتی در رسیدگی های قضایی و تصریح بدان در متون حقوقی و مصوبات موضوعی مربوطه.

لزوم شناسایی "نظام تضمینات حقوقی و بین المللی" موثر نسبت به سلب حق دفاع یا نقض حق دسترسی به وکیل مدافع در فرایند دادرسی کیفری با استفاده از ظرفیت های حقوقی بین المللی و منطقه ای.

اقدام ملی و بین المللی جهت "استاندارد سازی قواعد حقوق بشری" مربوط به حق بر دادرسی عادلانه و حق بر معاضدت قضایی و حقوقی.

آموزش فراگیر و مستمر حق بر دادرسی عادلانه به نهادهای ملی و تلاش برای توانمند سازی ظرفیت های حقوقی، تقنینی و قضایی آنها، به منظور ارتقای قواعد حقوق بشر نسبت به حق بر دادرسی عادلانه و تضمین همه جانبه آن.

آموزش مستمر و موثر کادر قضائی و اداری محاکم قضایی نسبت به "حقوق بشر در دستگاه قضایی و آشنایی با حقوق بشر برای قضات، دادستان ها و حقوقدانان" در راستای افزایش مهارتهای حرفه ای و شغلی آنها.

اقدام نظام حقوق کیفری و قضایی ملی کشورها و دولت ایران در جهت "ظرفیت سازی ملی برای ارتقاء حقوق بشر و دسترسی بیشتر به عدالت قضایی و کیفری" و اعمال آن نسبت به ضابطین دادگستری و سایر عوامل موثر در فرایند دادرسی های قضایی.

"آموزش حقوق شهروندی و بشر در نظام آموزشی و دانشگاهی کشورها" و در ایران و "فرهنگ سازی حق دفاع و وکالت در دعاوی."

به روز رسانی آموزش حرفه ای و صنفی وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت نسبت به "اصول پایه ای و اساسی وکالت در جهان" و "استاندارد سازی مصوبات نهاد صنفی وکالت" و طرح ها و برنامه های حرفه ای آنها با استانداردهای حرفه ای بین المللی مربوط به فن دفاع و وکالت در دادرسی های قضایی و آموزه های اتحادیه بین المللی وکلای دادگستری (ABI) و مصوبات سازمان ملل و سازمانهای حقوق بشری منطقه ای.

ضرورت "الزامی شدن وکالت در فرایند دادرسی" و لزوم "نهادینه کردن" فرهنگ حقوق شهروندی و وکالت" و آگاهی مردم و شهروندان نسبت به حقوق خویش بعنوان گامی مثبت در جهت افزایش شناخت آنها نسبت به حقوق شهروندی خویش و آشنایی نسبت به حقوق بشر و الزامات قانونی مترتب بر آن.

ضرورت تصویب و تشکیل " دادگاه ویژه قانون اساسی " به جهت عدم پیش بینی تشکیل دادگاه قانون اساسی، به لحاظ نبود آن در نظام حقوقی ایران و فقدان ضمانت های حقوقی موثر نسبت به عدم رعایت حق دسترسی به وکیل در فرایند دادرسی کیفری در جهت تعقیب هر گونه نقض حقوق بشری و شهروندی مردم نسبت به حق بر دادرسی عادلانه و حق دفاع متهم ، به جای دادگاههای ویژه با فرایند دادرسی ویژه و متمایز از قانون آیین دادرسی، بعنوان راهکار مناسبی برای تضمین حق بر دادرسی عادلانه و حق دسترسی به وکیل بعنوان یکی از معیارهای اصلی آن.

لزوم تعقیب " مسئولیت بین المللی دولتها نسبت به نقض گسترده حقوق بشر و حق بر دادرسی عادلانه " و نیز گسترش موضوعی صلاحیت دیوان کیفری بین المللی و فراهم آوردن موجبات تصویب شمول آن نسبت به " جرائم نقض حق بر دادرسی عادلانه " در محاکم کیفری بین المللی و نظام حقوق کیفری ملی کشورها.